

پویشت

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران (هانوفر)

سال دوم شماره ۱۶

نوروزگردی امروز



مبارزه با منجلاپی که دیکتاتورها و سرمایه‌داران برای انسانیت پدیدار کرده‌اند، باز کند.
"هشت تحریریه نشریه پویشت"

شادباش نوروزی

طبیعت، مقدمه آهنگ بهار را سر میدهد، هوا سرشار از بهار میشود و فرا رسیدن آغازی دیگر را نوید میدهد.
همراه با شادباش نوروزی، امیدواریم با نو شدن طبیعت، آرزوی آغاز یک زندگی شادمانه راه خود را در

نگاهی به شرایط بین المللی و رابطه آن با بحران خلیج

مقدمه

سرانجام جنگ ۴۳ روزه خلیج با شکست دولت عراق و کردن نهادن آن به تمامی قطعنامه های شورای امنیت پایان یافت.
جنگی که در واقع بازنده اصلی آن مردم منطقه بودند. در عرض چند هفته صدها هزار تن کشته و مجروح گردیدند. خبیث عظیمی از مردم عراق و کویت



تحولات جهان را چگونه می بینید؟

مصاحبه ای با

چهار مشاور سیاسی قدرتمند بین المللی

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، یک "نظام جدید بین المللی" ایجاد شد که دو ابر قدرت آمریکا و شوروی در آن نقش اساسی را بازی می کردند.
افول قدرت شوروی و تحولات اخیر در اروپای شرقی، ساختار جامعه بین الملل را که در کنفرانسهای دوران پس از جنگ (تهران، بتسدام و بخصوص بالتا) بنیان گذاری شده بود، دگرگون ساخت. در حال حاضر ساختار جامعه بین الملل دوران انتقالی را طی می کند و متغیرهای جدیدی وارد معادلات شده اند که دگرگونیهای اساسی را در روابط و ساختار بین المللی ایجاد خواهند کرد. این

در صفحات دیگر:

- * اعتصاب پیروزمند هزاران کارگر پالایشگاه های ایران ۱۰
- * اطلاعاتی در باره وضعیت پناهندگان ایرانی در ترکیه (قسمت اول) ۲۲
- * مصاحبه با کونتر گراس پیرامون جنگ خلیج ۱۲
- * آفریقای جنوبی: رفرم در سیاست آپارتاید همچنان سروری سفیدان را تضمین می کند ۱۱
- * پای سخن شورای کلاس زبان فارسی ... ۴
- * اخبار ایران، پناهندگان و جهان ۱۶
- * نامه های رسیده ۱۹

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - زنده باد انقلاب

نگاهی به شرایط بین المللی و رابطه آن با بحران خلیج

این فروپاشی " بلوک شرق " مهمترین عامل پدید آمدن تغییرات بنیادین در نظم جهانی شکل گرفته پس از جنگ جهانی دوم است .

تغییرات بنیادین در نظام دو قطبی جهان

نظام سیاسی- اقتصادی جهان تا قبل از تحولات سالهای اخیر، با دو - قطب جهانی مشخصی میشد که در رأسشان آمریکا و شوروی قرار داشتند . هر یک از این دو قطب در عین پیشبرد اهداف و مقاصد خویش، خود را در تقابل با دیگری تعریف میکرد . یکی مدعی سوسیالیسم در مقابل اردوگاه سرمایه‌داری، مدافع اقتصاد برنامه ریزی شده در مقابل هرج و مرج اقتصادی، مدعی پیشتازی تاریخ در مقابل واپسگرایی و ارتجاع بود و - دیگری مدعی دموکراسی و "عرب آزاد" در مقابل دیکتاتوری ، اقتصادی که در آن استعدادهای و انگیزه‌های تولیدی شکفته میشوند در مقابل اقتصاد بستنای که طبق فرمانهای نظامی اداره میشود و ۰۰۰ در عین حال هر یک از این دو با انواع وسایل-از پیمانهای نظامی گرفته تا "رقابت اقتصادی" و ۰۰۰- در پی تضعیف قطب مقابل و پیشبرد اهداف خود بودند .

این دو قطب جهانی در مجموع چهره سیاسی- اقتصادی جهان را ترسیم میکردند .

اما اینک با پایان دوره جنگ سرد و فروپاشی یکی از دو قطب، قطب دیگر - یعنی " بلوک غرب"- نیز تا آنجا که خود را در مقابل "بلوک شرق" - تعریف میکرد، فلسفه وجودی و موضوعیت خود را از دست داده است و دیگر نمیتواند در دراز مدت به گونه سابق همبستگی و اتحاد خویش را حفظ کند .

اما روند دیگری نیز طی دهه‌های اخیر- و بویژه از دهه ۷۰ به این-سو در حال تکوین است .

این روند حکایت از تغییرات بزرگی در درون خود اردوی غرب دارد . اکنون جامعه اروپا (EG) به رهبری آلمان و فرانسه و همچنین ژاپن به غولهای اقتصادی تبدیل شده‌اند و ایالات متحده سیادت اقتصادی سابق خود را در "بلوک غرب" از دست داده است .

ایالات متحده هم اکنون باکسری بودجه عظیمی روبروست و بدهکارترین کشور جهان میباشد، ارزش دلار به طور چشمگیری سقوط کرده، سهم تولید ناخالصی ملی، بار آوری کار، بازرگانی و صادرات آمریکا نسبت به کل غرب کاهش یافته است و وزن و موقعیت تراست‌ها، کسرها و بانکهای آمریکایی در جهان سرمایه‌داری نسبت به سابق به شدت تنزل یافته است (۲) .

آواره و بی‌خانمان شدند . دهها هزار تن بعب برسر مردم بی‌دفاع ریخته‌شد و مناطق مسکونی ، مدارس، بیمارستانها، کارخانه‌ها و تأسیسات اقتصادی ویران گردید .

براساس اولین تخمینهای منابع آمریکایی، تنها بازسازی عراق دهها سال به طول خواهد انجامید و هزینه آن بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار می‌گردد .

تخمینهای موجود خسارات وارده بر کویت را تا ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد میکند . (۱)

بدیهی است بار اصلی تمامی این ویرانیا و فقر و فلاکت موجود را نیز می‌بایست مردم محروم و تهیدست منطقه به دوش کشند .

طی ماههای گذشته همگی ما کم و بیش اخبار و گزارشات مربوط به بحران خلیج فارس را دنبال کردیم و در جریان آن هستیم، به همین جهت در مقاله حاضر از توضیح و بازگویی این اخبار صرفنظر نموده و تنها نگاه گذری به جایگاه این بحران در تحولات بین المللی و "نظم نوین" مطلوب سرمایه‌داری جهانی می‌اندازیم .

فروپاشی " بلوک شرق "

بیشك مهمترین وقایع سالهای ۸۹ و ۹۰ فروپاشی گروه‌بندی کشورهای

موسوم به " بلوک شرق " بود .

این وقایع نتیجه ناگزیر بنیست و لزوم دگرگونیهای عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در این کشورها بود . دگرگونیهایی که حرکت آنها به سوی الگوهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی غرب را به همراه آورد .

از نقطه عطفهای روند فروپاشی " بلوک شرق " عبارتند از :

اتخاذ سیاستهای اقتصادی در کشورهای شوروی و اروپای شرقی در جهت گسترش بازار و رقابت، رشد سرمایه‌داری خصوصی و گشودن بیش از پیش مرزها به روی سرمایه‌های خارجی، الحاق آلمان شرقی به آلمان غربی، کنار رفتن احزاب به اصطلاح کمونیست در لهستان ، چکسلواکی و مجارستان، اوج گیری نزاعهای ملی و قومی در شوروی، چکسلواکی، یوگسلاوی و ۰۰۰۰، اعلام رسمی انحلال پیمان ورشو از اول آوریل سال جاری، انحلال شورای کمکهای متقابل اقتصادی (کومکن) ، اظهار تمایل چکسلواکی، لهستان و مجارستان برای ورود به جامعه اروپا (EG) و ۰۰۰ روند فروپاشی " بلوک شرق " که روندی در حال تکوین است و همچنان ادامه خواهد یافت، منجر به این شده که این دولتها دیگر در امور مربوط به سیاست و اقتصاد بی-المللی به شکل یک گروه‌بندی عمل نکنند و بلوکی به عنوان " بلوک شرق " وجود خارجی نداشته باشد .

نگاهی به شرایط بین المللی و رابطه آن با بحران خلیج

مهمترین مناطق استراتژیک جهان، همراه با پایان جنگ سرد و خلافت قدرتی که در اثر عدم مداخله فعال شوروی و "بلوک شرق" در بسیاری مناطق جهان بوجود آمده، مناسبات دولتهای پیرامونی و قدرتهای امپریالیستی نیز بایستی مورد تجدید نظر قرار گیرد. در سالهای اخیر دولتهای پیرامونی در برخی نقاط جهان - از جمله دولتهای ایران و عراق در منطقه خلیج فارس - نگاه درمدم برآمدند منافع و اهداف خویش را مستقل از منافع امپریالیستها و گاه در تقابل با این منافع به پیش برند. اشغال کویت که از متحدین آمریکا شمرده میشد و اخلاف در امنیت و سیستم سیاسی دلخواه ایالات متحده در منطقه از جانب دولت عراق یکی از این موارد بود.

برای قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری، اعاده "نظم" و "ثبات" لازم در خاور-میانه، مهار دولت عراق و در هم شکستن توان نظامی آن و اعطای قدرت بیشتر به دولتهای مطمئن‌تر و نزدیکتری چون عربستان سعودی و شیخ نشینهای خلیج فارس، از اهمیت خاصی برخوردار است و جز مہمی از شکل دادن به "نظم نوین" جهان محسوب میشود. بویژه آنکه منطقه خلیج یکی از مهمترین مناطق استراتژیک جهان است. مناطقی که اقتصاد اروپا و ژاپن به نفت آن وابسته است و بازار پر منفعتی برای سرمایه جهانی میباشد. و مناطقی که ایالات متحده از انقلاب ۵۷ ایران به این سو فاقد استراتژی تعریف شده و ابتکار عمل در آن بود. (۴)

دوم در سطح رابطه قدرتهای سرمایه‌داری جهانی با یکدیگر. بحران خلیج در عین حال نخستین آزمون برای سنجش تناسب قوای قدرتهای بزرگ سرمایه‌داری، پس از فروپاشی نظام دو قطبی جهان بود. در این بحران دولت آمریکا نشان داد که علیرغم از دست دادن سیادت اقتصادی سابق در میان متحدینش، هنوز از موقعیت سیاسی-نظامی ویژه‌ای برخوردار بوده و مصمم است. از این موقعیت خود حداکثر بهره برداری را به عمل آورد. (۵)

به کمک این بحران و پیامدهای آن، دولت آمریکا توانست روند تلاشهای ژاپن و جامعه اروپا برای کسب استقلال سیاسی بیشتر از آمریکا را سد نماید و ایشان را تحت رهبری خویش در آورد و نقش خود به عنوان زاندارم جهان را به آنها گوشزد کند.

جامعه اروپا و ژاپن در مقابل شتاب سرگیجه‌آور رویدادها در خلیج فارس به حاشیه سیاست بین المللی رانده شدند. آنها از يك سو برای اعاده "نظم" و "ثبات" مطلوب خویش به رهبری بلامنزاع نظامی-سیاسی آمریکا نیاز داشتند و از سوی دیگر پذیرش این رهبری در تناقض باتلاشهای تاکونیشان برای بدست آوردن ابتکار عمل سیاسی در عرصه بین المللی بود. بدین ترتیب تا آنجا که به تناسب قوای سیاسی در درون اردوی غرب بقیه در صفحه ۱۴

همراه با کاهش اتوریته و قدرت اقتصادی ایالات متحده و رشد چشمگیر اقتصادی ژاپن و جامعه اروپا، تلاش دول ژاپن و اروپای غربی برای کسب استقلال بیشتر اقتصادی و سیاسی از آمریکا فزونی گرفت.

از جمله مهمترین این تلاشها، میتوان از موارد زیر نام برد: اختلافات و درگیریهای اقتصادی اروپا، ژاپن و آمریکا بر سر تعرفههای گمرکی، میزان سهمیه صادرات و بازرگانی خارجی، نرخ برابری ارزها، چند و چون عملکرد سرمایه‌های خارجی در این کشورها و کشمکش اخیر جامعه اروپا بر سر سیاست کشاورزی جامعه اروپا و میزان سوبسید دولتی بر محصولات کشاورزی، طرح ایجاد بازار واحد داخلی اروپا (Binnenmarkt) تا پایان سال ۹۲، تلاشهای مستقل جامعه اروپا برای رسیدن به توافقاتی با کشورهای بلوک شرق و الحاق آلمان شرقی به آلمان غربی، پیشنهاد اخیر دولتهای آلمان و فرانسه برای ایجاد یک ارتش اروپایی - که آشکارا پیشنهادی است برای کسب ابتکار عمل نظامی نسبت به آمریکا، اقدامات ژاپن برای بسط نفوذ اقتصادی-سیاسی خود در صحنه بین‌المللی و بویژه در شرق و جنوب شرقی آسیا، تقویت بنیه نظامی ژاپن و بودجه فزاینده این کشور (۳) و ۰۰۰۰.

جایگاه بحران خلیج در شرایط متحول بین المللی

همانطور که اشاره کردیم جنگ خلیج فارس در شرایطی پیوسته که به وقوع از یکسو "بلوک شرق" فرو پاشیده و دیگر به عنوان یک قطب نیرومند جهانی عمل نمی‌کرد و دوره پایان جنگ سرد و گسترش "تنش زادی" بین شرق و غرب فرا رسیده بود و از سوی دیگر تناسب قوای اقتصادی-سیاسی در "بلوک غرب" به ضرر ایالات متحده و به نفع جامعه اروپا و ژاپن در حال تغییر بود.

جایگاه بحران خلیج فارس و جنگ ویرانگر متعاقب آن، تنها در بستر و بطن این روندهای بنیادین که از سالها پیش در حال تکوین بودند، قابل درک است.

بحران خلیج نخستین آزمون جدی برای سرمایه‌داری جهانی، بعد از پایان دوره جنگ سرد و از میان رفتن نظام دو قطبی شکل گرفته پس از جنگ جهانی دوم بود.

این جنگ حلقهای بود از مجموعه رویدادها و تصادماتی که سرمایه‌داری جهانی در دهه ۹۰ برای باز تعریف روابط بین المللی و شکل دادن به نظم جهانی مورد نظر خویش به آن نیاز دارد.

این جنگ مکانیسمی بود برای تجدید تعریف و تنظیم روابط دول سرمایه‌داری در دو سطح متفاوت و مرتبط با یکدیگر:

اول در سطح روابط دولتهای پیرامونی و قدرتهای امپریالیستی در یکی از

پای سخن شورای کلاس زبان فارسی شهر هانوفر

س- انگیزه و علت ایجاد کلاسهای زبان فارسی برای کودکان ایرانی چه بوده است؟

ج-ا مطرح شدن مسائل و مشکلات ایرانیان در خارج از کشور، که یافتن علتهای و پیجویی راه حلها به صورت يك کار اجتماعی در آمد، مسائل و مشکلات روحی و روانی خود را آنچنان چشمگیرتر نشان داد، که نه تنها به بحث و تبادل نظر اکتفا نشد، بلکه با ایجاد نهادهای اجتماعی مناسب امکان تخفیف و یا درمان آن نیز فراهم گردید. در کنکاشی برای شناخت عوامل مختلف آن که دو گانگی فرهنگی و بیهویتی فرهنگی در خارج از کشور مطرح میشد، عدهای از پدران و مادران نیز نگرانی خود را از تأثیر این عوامل در تربیت کودکان خود ابراز می کردند، و آن ایدئای شد که با عدهای^{آزادشده} به شور نشستیم و با فراخوان از پدران و مادران و مربیان و علاقمندان امور تعلیم و تربیت کودکان، در نشستهایی به بحث و بررسی و چاره جوییهای مختلف پرداختیم. و بالاخره تصمیم گرفتیم براساس حسد- توانمان کار را شروع کنیم.

س- تشکیل کلاسهای زبان فارسی چه جایگاهی برای شما دارد؟

ج- آموزش زبان فارسی برایمان تنها هدف نبود، بلکه از طریق این نهاد اجتماعی می توانستیم از زبان فارسی به عنوان عنصر اصلی فرهنگ و کلبند پیوند فرهنگی برقرار کننده پیوند کودکان ایرانی با یکدیگر از یکسو، و از سوی دیگر موجب شناساندن میراث فرهنگی خود جهت شناخت هویت فرهنگی و حفظ و احیای آن باشیم. زیرا کودکان ما با فراموش کردن تدریجی زبان مادری، به تدریج پیوند خود را با قوم و خویش و هموطن خود در آینده از دست خواهند داد، عدم توانایی در بهره مندی از نسر- آوردهای نوشتاری نمی تواند آنها را قادر سازد تا هویت ایرانی خود را باز- شناسند و از جنبه های مثبت آن برای حفظ و ارتقاء فرهنگ جهانی بهره جویند.

س- کلاسهای فارسی از چه زمانی و چگونه شروع به کار کرده است؟

ج- از آنجایی که بیشترین تقاضا برای کودکان بود، که اصلاً خواندن و نوشتن نمی دانستند و یا اینکه آنچه را که در مدت کوتاهی در ایران خوانده، فراموش کرده بودند، کلاس اول دبستان را تشکیل دادیم. از طریق يك شورای هماهنگی چهار نفری کارها هدایت میشوند. در حدود دو سال است که کار را شروع کردیم. در این مدت تعداد شاگردان شکل ثابتی نداشتند، و آنهم به دلیل تغییر شرایط اولیاً آنها بوده است.

چنانکه تغییر محل زندگی و یا شروع کار یا تحصیل تازه آنها مانع از آوردن کودکان به کلاس میشود. یا اینکه کودکان جدیدی به ما می پیوندند تا حدی همسطح کلاس پیش بروند. اکنون ۱۶ کودک ۷ تا ۱۰ ساله کلاس اول را تمام کرده و در کلاس دوم میباشند. بنا به تقاضای اولیایی

که فرزندان ۶،۵ ساله دارند، مدتی است که کلاسهای آمادگی (پیش از - دبستان) را تشکیل دادیم.

س- کلاسها در کدام محل و با چه امکاناتی برگزار میشود؟

ج- کلاسها در مرکز سیاسی - فرهنگی ایرانیان شهر هانوفر برگزار میشوند. این محل علاوه بر اطاق درسی با داشتن فضای وسیع و کتابخانه امکانات لازم را در اختیار ما میگذرد تا بتوانیم سه برنامه های جنبی برای کودکان بپروازیم.

س- منظور از برنامه های جنبی چیست؟

ج- ما با برگزاری مراسم و جشنها، چون برگزاری جشن تولد کودکان، برگزاری روز جهانی کودک امکان بازی و گفتگو و معاشرت را برای کودکان فراهم می کنیم. نمایش فیلم به زبان فارسی، فراهم آوردن برنامه نقاشی، کار دستی، شطرنج و ترتیب برنامه استخر و گردشهای دسته جمعی ناما" به منظور برقراری ارتباط میان کودکان از یکسو و آشنا کردن آنان با مفاهیم زبان فارسی در زمینه های مختلف است. و کرانه میدانیم که این کودکان به اندازه کافی در مدرسه و محیطهای دیگر دارای امکاناتی برای ای- فعالیتها میباشند.

البته قصد نداریم که با ایجاد حضاری برای کودکان ایرانی ارتباطشان را با کودکان آلمانی و کودکان کشورهای دیگر قطع نماییم. به همین منظور در جشنهایی از کودکان دیگر نیز دعوت میشود و یا بطور مشترک برای دیدن فیلم و تئاتر میرویم.

س- آیا کلاسهایتان به عنوان آموزش زبان مادری به تأیید وزارت آموزش و پرورش رسیده است؟

ج- هنوز نه ولی در پی آن هستیم که کلاسها را به ثبت برسانیم، تا بتوانیم نمره نرسی آنها را در کارنامه رسمی بیاوریم. البته این امر منوط به تصویب لایحه حق آموختن زبان مادری در مجلس ایالتی آلمان است. چون حق آموزش زبان مادری تاکنون برای بعضی از کشورها به رسمیت شناخته شده و برای بعضی چون ایران در قوانین نیامده است. س- آیا در این راه مشکلاتی داشتید و اگر داشتید برای رفع آنها چه اقداماتی کردید؟

ج- در این راه مشکلاتی حتماً داشتیم. مشکل عمده آنست که اهمیت آموختن زبان مادری چندان برای کودکان ما قابل درک نیست. البته تا حدی میتوان به آنها حق داد. زیرا در محیطی که تمام وسایل پیام رسانی، پیام خود را به زبان آلمانی میدهند، وقتی که بیشترین ساعات کودک در محیط مدرسه و کونکستان میگذرد و زبان آلمانی تنها زبان ارتباط و وسیله رفع نیازهای او می باشد، دیگر جایی برای اهمیت زبان مادری نمی ماند، چون برای عدهای همان حدی از زبان مادری کفایت میکند که

پای سخن شورای کلاس زبانی فارسی شهر هانوفر

جا افتاده است شروع کرد و به تدریس این لغات در جای مناسب، در سالهای بعد توضیح و تشریح کرد، که البته تهیه چنین کتابی کار ساده‌ای نیست و احتیاج به نیروهایی در این زمینه برای بازبینی کتابها دارد.

شکل دیگر با آنکه امکانات زیادی از طرف مرکز سیاسی- فرهنگی ایرانیان در اختیار ما گذارده شده است، اما به علت مشکلات مالی، که حتی حاضر نیستیم فشاری برای خانواده‌ها باشد، نمی‌توانیم از عهده کارهای وسیعتری برآئیم.

به‌رحال از آنجایی که معتقدیم که این یک کار دراز مدت و مشترک میان مریبان و اولیاء می‌باشد تلاش در تمام رابطه با یکدیگر برای شناخت مشکلات و جستجوی راه حل‌های مناسب را از طریق نشستهای مختلف و حتی با شرکت در سمینارهایی که در زمینه‌های تعلیم و تربیت و مشکلات آن‌در خارج از کشور برپا میشود، ضروری می‌دانیم.

می‌تواند آنرا برای رفع نیازهای روز مره در ارتباط با پدر و مادر خود بکار برد و برای عدای دیگر متأفانه به علت بی‌توجهی یا تنبلی و سهل‌انگاری و یا شاید بعد پدران و مادران، با جانشین کردن زبان آلمانی به جای زبان فارسی در همه امور، به تدریس زبان فارسی به دست فراموشی سپرده شده است. همین جهت آمدن کودکان به کلاس‌های تدریس نیاز خود جوش آنها، بلکه با ضروری شناختن آن از طرف عدای از اولیاء یوده است. و برای اینکه این امر انگیزای برای خود کودک شود، لازم است که اولیاء و اطرفایان، مریبان با توجه بکسب کودک، به تدریس نیازها و ضرورت‌های یادگیری و نحوه بکارگیری آنرا برای آنها روشن کنند، تا در آینده کودک خود بتواند بطور مستقل از طریق مطالعه به افزایش اندوخته‌ها پیوندد. مشکل دیگر نداشتن کتابهای فارسی به تعداد کافی برای کودکان است. چون تهیه کتاب از ایران دشوار است و تهیه آن در خارج از کشور گران تمام میشود. و یا اینکه کتابها با چاپ سالهای مختلف به دست کودکان می‌رسد که آنها به علت تفاوت مطالب مشکل ایجاد می‌کند. همین جهت ناگزیریم برای هسانی با کپی گرفتن از کتاب مشکل را تا حدی کم کنیم. دیگر اینکه بنا به تجربه آموزشی در کلاس اول، می‌بینیم که محتوای کتاب با شرایط کودک در محیط زندگی کمینش مناسبت ندارد. برای مثال کلمات ناآشنایی مثل تنور، داس، ۰۰۰ برای کودک بزرگ شده در اینجا برای شروع آموزش مناسب نموده و می‌توان با لغاتی که در زندگی روزمره او بیشتر

پس و پسر

ماهنامه کسبه همسنگی با مبارزات مردم ایران:

آلمانی: Solidariatsverein mit iranischen Völkern
Postfach 5311
3000- Hannover 1
West Germany

بها اشتراك:

آلمان

یکساله ۲۸/۸۰ مارك

ششماه ۱۵ مارك

دیگر کشورهای

یکساله ۳۱/۲۰ مارك

ششماه ۱۶ مارك

تمام قیمتها با محاسبه هزینه پستی است.

تذ فروش: ۱/۵ مارك

لطفاً برای مکاتبه با ما به تعمیر آدرسی توجه کنید.

آدرسی جدید: Solidariatsverein mit iranischen Völkern
Postfach 5311
3000- Hannover 1
W- Germany

منتشر شد :

The image shows the cover of the journal 'Pardis' (پارسیا). The title is written in large Persian calligraphy. Below it, the subtitle reads 'روزنامه فرهنگی و اجتماعی دانشجویان ایرانی در آلمان غربی' (Cultural and social newspaper of Iranian students in West Germany). The cover features a prominent graphic of a raised fist inside a five-pointed star. The text on the cover includes the issue number 'شماره ۳۳' and the date 'مارس ۱۹۹۱'. There are several columns of text in Persian and German, including a section titled 'در این شماره' (In this issue) listing various articles. At the bottom, there is a line of Persian text: 'همکاری با کمیته بین‌المللی دانشجویان ایرانی در آلمان غربی'.

تحولات جهان را چگونه می بینید؟ مصاحبه ای با چهار مشاور سیاسی قدرتهای بین المللی

مصاحبه با برژسکی مشاور امنیتی دولت آمریکا در دوران کارتر

— آیا شما نیز بر این عقیده‌اید، که با پایان رقابت بین شرق و غرب، ایالات متحده و اتحاد شوروی قابلیت تأثیر گذاری بر سیاست جهانی را از دست داده‌اند؟

— خیر، من بدیصورت موافق این نظر نیستم. این دیدگاه بی‌می صحیح و نیمی غلط است، نیمی صحیح از این نظر، که اتحاد شوروی دیگر از این قابلیت برخوردار نیست و نیمی غلط، چرا که این نظر معتقد است، که ایالات متحده نیز از این قابلیت برخوردار نمی‌باشد.

نظر من، برای انسانی که منطقی فکر می‌کند و حداقل اطلاعاتی از سیاست جهانی دارد، روشن است که اتحاد شوروی در قبال ادعای برخورداری از جایگاه یک قدرت جهانی تا شکست روبرو شده است. من بر کمبود ادعا تأکید کردم، زیرا من همواره بر این عقیده بودم، و این نظر را شفاهاً و کتاً اعلام نمودم که اتحاد شوروی به یک قدرت جهانی بلکه تنها یک ابر قدرت نظامی بوده است. علاوه بر این کاملاً روشن است، که امروزه در دنیا تنها یک قدرت جهانی وجود دارد و آن نیز ایالات متحده آمریکا است. ایالات متحده تنها قدرت جهان است، که یک ابزار گوناگون یک قدرت جهانی را در اختیار دارد. اتحاد شوروی تنها از قدرت نظامی برخوردار است و آنهم بطریقی که روز بروز اهمیت خود را از دست می‌دهد. آلمان و ژاپن قدرتهای جهانی تجاری و مالی هستند. اما آنها از دیگر خصوصاتی که لازمهٔ نقش یک قدرت جهانی است، برخوردار نیستند. ما امروز در دورانی بسر می‌بریم، که در آن ایالات متحده بیش از پیش در مرکز سیاست جهانی قرار می‌گیرد، جدا از اینکه این امر خوشایند کسی باشد یا خیر.

— به نظر شما صحیح است که اروپا و ژاپن در حال کسب نقش دو ابر قدرت در سیاست جهانی می‌باشند و آیا باید از این مسئله استفسار نمود؟

— من شدیداً موافق همکاری آمریکا با آلمان و ژاپن بر سر مسائل بین المللی می‌باشم اما بنظر من اگر بخواهیم بطور جدی در مورد سیاست جهانی بحث کنیم، باید واقعیت را از آرزوها جدا سازیم. اروپا بعنوان یک واقعیت در سیاست جهانی موجودیت ندارد. وی در حال آمدن است، اما هنوز موجود نیست. این امر بویژه از طریق تفاوت‌های موجود بین کشورهای اروپایی در زمینهٔ بحران خلیج آشکار می‌شود. در ارزیابی آقایان گنالس، آندراتی، میتران، کهل و خانم تاجر تفاوت‌های آشکاری موجود است. علاوه بر این ژاپن از امکان قبول مسئولیت در زمینهٔ امنیت

مسائل با خود سؤالات متعددی را در مورد آینده و اشکال احتمالی ساختار جدید جامعه بین‌الملل طرح می‌نماید.

برای پاسخ به این سؤالات، کسب شناخت از نظرات تئورسینها و سیاستمداران کشورهای که در این میان می‌توانند نقش مهمی را ایفا نمایند، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. از این رو برای این شماره نشریه پویش بخشهایی از مصاحبه‌های منتشره در نشریه "World Media" مورخه ۲۴ دسامبر ۹۰ با چهار تن از شخصیت‌های فوق را ترجمه کرده‌ایم.

World Media پروژه‌ای بود که با مشارکت و همکاری ۱۵ روزنامه از ۱۴ کشور جهان به مرحله اجرا در آمد و همزمان به زبانهای مختلف ترجمه و منتشر شد. از کشور آلمان روزنامه تاگس تسایتونگ در این پروژه شرکت داشت. ترجمه حاضر از زبان آلمانی می‌باشد و تنها ۳ سؤال از مجموع ۷ سؤالی که در برابر ۴ شخصیت مزبور قرار گرفته را شامل می‌شود.

بدینست بدواً توضیح مختصری درباره اشخاصی که با آنها مصاحبه شده، داده می‌شود. ۱- زیگیو برژسکی؛ مشاور امنیت ملی دولت کارتر (۱۹۸۱-۱۹۷۷)، از صاحب نظران مسائل بلوک شرق در آمریکا به شمار می‌رود. وی در حال حاضر استاد دانشگاه "پل نیچه" وابسته به دانشگاه "جان هاپکینز" در زمینه "مطالعات پیشرفته بین‌المللی" و مشاور مرکز مطالعات استراتژیک و بین المللی در واشنگتن-دی.سی. است.

۲- ژاک آتالسه؛ متولد سال ۱۹۴۳ در الجزایر، مشاور میتران و جدیدترین رئیس بانک "BERD" (بانک مربوط به امور رشد اروپای شرقی) می‌باشد. از سال ۱۹۷۳ عضو حزب سوسیالیست فرانسه و نویسنده کتابهای مختلفی مانند "آنتی - اکونومی" می‌باشد.

۳- هورست تلچیک؛ متولد ۱۹۴۰، از سال ۱۹۸۲ تا انتخابات دسامبر ۹۰، مشاور هلموت کهل صدراعظم آلمان در امور سیاست خارجی بود. یکی از متفکرین مهم و با سابقه حزب دمکرات مسیحی (CDU) بشمار می‌رود. وی از طرف رسانه‌های غیر آلمانی به "کیسینجر کهل" معروف است.

۴- آکساندر یاکولف؛ ۶۷ ساله، عضو شورای ریاست جمهوری و یکی از نزدیکترین مشاوران گورباچف می‌باشد. وی یکی از چهره‌های سرشناس حزب حاکم شوروی و تا سال ۱۹۷۳ عضو دفتر سیاسی این حزب بود. از این سال تا سال ۱۹۸۳ در مقام سفیر شوروی در کانادا مشغول بکار بود. از آنجا که وی جزو اولین کسانی بود که سیاست تشنج‌زدایی و همکاری با کشورهای سرمایه‌داری غرب را در سیاست خارجی شوروی پی‌افکند، در غرب بعنوان "پدر تفکر جدید" مشهور است.

تحوالات جهان را چگونه می بینید؟ مصاحبه ای با چهار مشاور سیاسی قدرتمند بین المللی

تأثیر قرار خواهند داد تا از طریق اقدامات سیاسی در دهه های آتی این وضعیت تغییر خواهد نمود.

س- کدام مناطق را حامل خطرناکترین منازعات آتی میدانید؟

ج- مناطق جدی چنین منازعاتی بنظر من در محدوده مرز مابین شمال و جنوب و نیز در نقاطی قرار خواهند داشت، که در آنها مرزهای کشوری نامشخص می باشند. بعنوان محدوده مرزی از دید من آمریکای لاتین، مغرب، خاور میانه و جمهوریهای اسلامی اتحاد شوروی و نیز منطقه مرزی بین هندوستان و چین محسوب می شوند.

بخشهایی از مصاحبه با هورست تلچیک مشاور چندین ساله صدراعظم آلمان در امور سیاست خارجی.

"جامعه مشترکی از آتلانتیک تا پاق"

س- آیا شما نیز براین عقیده اید که با پایان رقابت شرق و غرب ایالات متحده و اتحاد شوروی قابلیت تأثیر گذاری بر سیاست جهانی را از دست دادند؟

ج- من این دیدگاه را صحیح نمی دانم، اگر مسئله بسیار مهم امروز یعنی بحران خلیج را در نظر بگیریم، می بینیم که این ایالات متحده آمریکا است که عکس العمل بین المللی را تعیین می کند و عمده ترین حمایت برای تلاشهای آمریکا از طرف اتحاد شوروی ارائه می شود. بدون همکاری دو قدرت جهانی در این منطقه، صدام فوراً تلاش می نمود، دو ابر قدرت را در مقابل یکدیگر قرار دهد، تا یکی را بطرف خویش جلب کند.

در عین حال من واقعا "براین باورم، که ما شاهد سقوط یک ابر قدرت، یعنی اتحاد شوروی می باشیم. ما شاهد بی ثباتی روز افزون، ضعف اقتصادی و شورشهای اجتماعی در اتحاد شوروی می باشیم. باین دلیل من معتقدم که ما در سالهای آتی تنها با یک ابر قدرت، ایالات متحده آمریکا، سرو کار خواهیم داشت. اما همین چشم انداز، یعنی وجود تنها یک ابر قدرت، خالی از اشکال نیست چرا که ما در آینده در وهله اول با منازعات منطقه ای سروکار خواهیم داشت. بعنوان مثال در خاورمیانه،

منطقه پاکستان، کامبوج، آفریقای جنوبی و غیره و بنظر من خوب است، که هر ابر قدرتی یک نیروی متعادل کننده در برابر خود داشته باشد، تا در تأثیر گذاری بین المللی او را متعادل سازد. به همین علت نیز، سقوط اتحاد شوروی یک پاسخ اروپایی به این مسئله را ضروری می سازد. یعنی اینکه اروپاها بتوانند در عرصه سیاست خارجی به همکاری نزدیکتری دست یابند، و اینکه آیا سیاست امنیتی آنها در رابطه با حل

بین المللی برخوردار نیست و این واقعیت تا مدتها باقی خواهد بود. به طور خلاصه باید بگویم، که چنین تفسیرهایی بیشتر شعار هستند تا ارزیابی ریشهای.

س- کدام مناطق را حامل خطرناکترین منازعات آتی میدانید؟

ج- اگر از دهه نود صحبت می کنید، باید گفت که منطقه خلیج فارس و خاور میانه خطرناکترین منطقه باقی خواهد ماند. دومین منطقه بحرانی می تواند اتحاد شوروی سابق و یا اروپای جنوب شرقی باشد، بویژه یوگسلاوی، آلبانی، بلغارستان، چین راستایی در نظر من است. اما دو مورد اول از ابعاد جدیتری برخوردار خواهند بود. همچنین ممکن است مسایلی در آفریقای جنوبی بوجود آید. این مسائل اما بر همه جهان اثر نمی گذارند. آنچه مد نظر من است، مسایلی اند که امکان یک درگیری بین المللی را در خود نهفته دارند.

مصاحبه با ژاک آتاله مشاور میتران

س- آیا شما نیز براین عقیده اید، که با پایان رقابت بین شرق و غرب، ایالات متحده و اتحاد شوروی نیز قابلیت تأثیر گذاری بر سیاست جهانی را از دست دادند؟

ج- پایان کشاکش شرق و غرب نقش بین المللی ابر قدرتها را در چارچوبی محدود می کند، که هر یک از آنها دلایل کافی برای پرداختن به مسایل داخلی خویش نداشته باشند. این امر هم برای اتحاد شوروی صدق میکند، که در برابر یک نگرانی عظیم و ضروری قرار دارد و هم برای ایالات متحده، که باید بیلان پرداختنشان را دوباره منظم کنند. هر دو ابر قدرت در عرصه نظامی باز هم تعیین کننده خواهند بود، چرا که برحسب همه پیشبینیها تنها ملتهایی هستند که قادرند، با سلاحهایی که در اختیار دارند، تمام دنیا را نابود کنند. هر دو ابر قدرت هر چه بهتر بتوانند مسایل داخلی خود را حل کنند، بیشتر و بهتر وارد همکاری بین المللی و برقراری صلح خواهند گردید.

س- بنظر شما صحیح است که اروپا و ژاپن در حال کسب نقش دو ابر قدرت در سیاست جهانی می باشند و آیا باید از این مسئله استقبال کرد؟
ج- در آینده رقابت میان ایالات متحده و اتحاد شوروی توسط رقابت اروپا و ژاپن جایگزین نخواهد گردید. در مقابل ما بیش از پیش ایجاد دو منطقه بزرگ وجود ندارد: یکی در قاره اروپا و دیگری در منطقه اقیانوس اطلس. هر دو این مناطق مدت زیادی بطور اساسی با ساختار و تکامل خود درگیر خواهند بود. ایالات متحده، ژاپن و اروپا قدرتهای اقتصادی بزرگی خواهند بود که سیاست جهانی را در وهله اول بیشتر با امکانات مالی خود تحت

تحولات جهان را چگونه می بینید؟ مصاحبه ای با چهار مشاور سیاسی قدرتمند بین المللی

— کدام يك از مناطق را حامل خطرناكترین منازعات آتی می بینید؟

— ما مطمئن نیستیم، که در سالهای آتی شاهد رویدادهای دراماتیك در سطح اروپا نباشیم. اضمحلال اقتصادی اتحاد شوروی به دو دلیل مایه نگرانی است: از یکسو خطر آنارشیم (روسها از سنت دیرینه آنارشیم برخوردارند) و از سوی دیگر در هم پاشیدگی اتحاد جمهوریهای شوروی و منازعات بین ملیتهای مختلف این کشور.

این روندها الزاماً صلح آمیز طی نخواهند شد و آنها می تواند بسیار خطرناك باشند، چرا که يك قدرت جهانی ضعیف و آنارشیت ممکن است برسد برآید، که مشکلاتش را از طریق جنگ افروزی چه در داخل و چه در خارج حل کند.

مشکل بعدی کشورهای لهستان، چکسلواکی، مجارستان، یوگسلاوی و رومانی هستند، که بلحاظ اقتصادی بسیار ضعیفند. جهتگیری دمکراتیک در این کشورها هنوز جا افتاده نیست. از طرف دیگر ما با تجدید حیات اختلافات ملی مواجه هستیم. در برخی از این کشورها حتی خطر جنگ داخلی موجود است. مثلاً در مناطق صربستان و کروات، کرواتها و اسلاوها اعلام استقلال نمودند. شواهدی موجودند، که اسلاوکیا نیز تمایل بایجاد کشور مستقلی دارند. بعلاوه کشورهایمانند لهستان و مجارستان از سال آینده به بعد به پیمان ورشو تعلق نخواهند داشت. در این صورت می تواند در آنجا امنیتی نامشخص ایجاد گردد. امکان بروز منازعات جدیدی وجود دارد، در رابطه با مسئله امنیت ما می باید يك استراتژی عمومی سیاسی تدوین کنیم، تا از نا آرامیهای جدید، عدم امنیت و بی ثباتی جدید در اروپا جلوگیری بعمل آوریم. ما هنوز راه درازی در پیش داریم.

مصاحبه با الکساندر یاکولف مشاور گورباچف

— آیا شما نیز بر این عقیدهاید، که با پایان رقابت بین شرق و غرب، ایالات متحده و اتحاد شوروی نیز قابلیت تأثیر گذاری بر سیاست جهانی را از دست دادند؟

— آری و خیر، این صحیح است که بدنال رقابت چند ساله شرق و غرب ساخت ویژگیهای از اتحادها، مناسبات، چارچوبها و امکانات تأثیرگذاری به وجود آمده است. همچنین صحیح است، که متناسب با از میان رفتن این رقابت، از هم پاشیدن و یا حداقل تضعیف مظاهری، که محصول این رقابت بودند، امروزه دیده میشود، من مطمئن نیستم، که آیا چنین وضعیتی تأسأور باشد.

بینیم ابزار این تقابل چه بوده است؟ تسلیحات، پیمانهای نظامی، صدور

اخطارات منطقه ای در آینده بصورت بدیلی برای سایر کشورها در خواهد آمد. اروپایی نمی باید تنها از سیاست آمریکا پیروی کند.

— آیا بنظر شما صحیح است، که اروپا و ژاپن در حال کسب نقش دو ابر قدرت در سیاست جهانی می باشند و آیا باید از این امر استقبال نمود؟

— بنظر من این چشم انداز صحیح است. باید از اینکه اروپاها در سطح جهان عهدمدار مسئولیت شوند کاملاً پشتیبانی نمود.

بازار مشترك اروپا با دوازده عضو در حال حاضر بلحاظ اقتصادی يك ابر قدرت محسوب میشود. با ایجاد بازار متحد داخلی این (قدرت-م) افزایش خواهد یافت. این امر تأثیرات بنیادی بر اقتصاد جهانی و بازارهای مالی خواهد داشت، آنچه ما مشاهده می کنیم این است که این دوازده

کشور در حال حاضر کلیه کشورهای عضو EFTA (European Free Trade Association) و نیز

اکثر کشورهای شرقی مانند لهستان، چکسلواکی، مجارستان و غیره را نیز بخود جلب نموده است. این کشورها در حال حاضر به این فکرند که

در جامعه مشترکی از آتلانتیک تا بوگ (Bug) به هم بپیوندند، بلحاظ اقتصادی و سیاسی این مسئله از اهمیت عظیمی برخوردار است. هرکس

این سؤال را طرح خواهد نمود: "اروپاها برای جوابگویی به مسئولیت بین المللی شان چه خواهند کرد؟" به همین دلیل من می گویم، که

اروپا در حال تبدیل شدن به يك قدرت جهانی است، ابتکار مشترك فرانسه و آلمان در بهار گذشته، که اتحاد اروپا را در مسیر يك اتحاد

سیاسی، ارز واحد و اتحاد اقتصادی هدایت می کند، سرآغاز و هسته يك جامعه متحد است، که نهایتاً قادر به طرح و پیشبرد سیاست واحدی

خواهد گردید. این امر مطلقاً ضروری است، در مورد ژاپن باید گفت، که

اوضاع تاحدودی بشکلی دیگر مطرح است. ژاپن از نقش مهمی در اقتصاد جهانی برخوردار است و عضو گروه ۷ کشور پیشرفته صنعتی می باشد.

ولی من اطمینان ندارم، که این کشور بلحاظ سیاسی نقش مهمی در عرصه جهان ایفا کند. نقش اصلی ژاپن در آسیای جنوب شرقی و منطقه اقیانوس

اطلس متمرکز خواهد بوده. منظور منطقه ای است، که چندین کشور بلحاظ سیاسی و اقتصادی بی ثبات را در بر می گیرد.

از طرف دیگر نمی باید فراموش کرد، که در این منطقه دو قدرت جهانی دیگر، یعنی چین و هندوستان نیز وجود دارند. به این دلیل میبایستی

ژاپن این وظیفه اساسی را در مقابل خود قرار دهد، در منطقه خودش همکاری منطقه ای با ثباتی را بوجود آورد.

تحولات جهان را چگونه می بینید؟ مصاحبه ای با چهار مشاور سیاسی قدرتمند بین المللی

اسلحه، حمایت یکی از طرفین درگیر در هر درگیری و غیره. این —
"تکولوژی اثرگذاری" برای همه آشناست. برای حل مسایل در شرایط
نیو این کشاخ این تکولوژی دیگر مناسب نیست. دوره گذار کنونی را
باید تحت عنوان دوران تضعیف امکانات تأثیرگذاری اتحاد شوروی و ایالات
متحده بر مسایل جهانی فهمید. و در عرصه خاصی نیز این امکانات واقعا"
رو به تضعیف میباشند. در اینجا يك سؤال مطرح میشود، آیا دنیا
نیازمند آن است که تحت تأثیر اتحاد شوروی و ایالات متحده قرارگیرد؛
ثانیا" بنظر من در جائیکه تأثیرگذاری در خدمت صلح، همکاری بین المللی
و تکامل ضروری و موثر است، امکانات و راههای جدیدی برای آن پیدا
خواهد شد. ثالثا" من بر این اعتقادم، که چنین امکاناتی میتوانند ایجاد
شوند و ما هم اکنون در مسیر صحیح گام برمی داریم. همه کشورها به
صلح، امنیت، ثبات و پایداری، اعتبار حقوق بین المللی و امکانات برای
تکامل نیاز دارند. من معتقدم، که اتحاد شوروی و ایالات متحده میتوانند
در رابطه با همه این مسایل نقش مهمی ایفا نمایند. پروسه متعین شدن
دنیای آتی اما تنها مسئله اتحاد شوروی و آمریکا نیست، بلکه مسئله
تمام کشورهاست.

— بنظر شما صحیح است که اروپا و ژاپن در حال کسب نقش دو برابر—
قدرت در سیاست جهانی میباشند و آیا باید از این مسئله استقبال کرد؟
— کدام نقش و منظور از "عهدمدار شدن نقش" چیست؟ اگر منظور نقش
کشمکش، جنگ سرد و مسلح شدن است، خدا ما را از این بلا دوربدارد!
من شخصا" برای از دست دادن چنین نقشی تأسف نخواهم خورد،
از طرف دیگر کل صحبت از "عهد دار شدن نقش" و "جایگزین شدن"

از زبان میدانهای جنگ بهتر است، ولی با این همه تعرضی است، من
با این تصور باقی میمانم، که همه خلقهای جهان برای ایجاد تصویر دنیای
فرنا خواهند کوشید. این يك پیش شرط ضروری است، برای آنکه دنیا
باثبات، دمکراتیک و نرمال باشند. در این ارتباط نقشهای اصلی و فرعی
نمیاید مطرح شوند.

— کدام مناطق را حامل خطرناکترین منازعات آتی می بینید؟

— من این مناطق را نه روی يك نقشه سیاسی، بلکه در يك نقشه از
مسایل جهانی، منطقه ای، ملی، اجتماعی و اقتصادی می بینم. قهر آنجایی
مطرح میشود، که انسان از شناخت مسایل سرباز میزند جایی که از امکان
و یا درک ضرورت حل آنها برخوردار نیست.

بنظر من مسئله اصلی این واقعیت است، که کل سیستم مدون بین المللی
با همه نهادها و صف بندیهایش، یعنی کل آن چیزی که تحت "سیاست
بین المللی" فهمیده میشود، به طریقی ایجاد گشته است، تا قادر به
تنظیم روابط سنتی بین دولتها، که در مرکز آن مسئله جنگ و صلح
قرار داشت، باشد.

ما هنوز از اینگونه مناسبات به طور کلی جدا نشده ایم و این امر ظاهرا"
مدت دیگری بطول خواهد انجامید. اما امروز در دنیای کیفا" نوینی قرار
گرفته ایم، که در آن مسایل مربوط به تکامل و پیشرفت اجتماعی— اقتصادی
در صدر مسایل قرار گتتاند. همچنین مسئله متناسب و توازن اکولوژیک
در سطح جهانی و منطقه ای روز بروز اهمیت بیشتری کسب میکند.
مسئله ای که مرا بیش از پیش بخود مشغول می دارد، اینستکه، آیا
ما قادر خواهیم بود، به موقع به این وظایف بپردازیم.

خوانندگان گرامی، رفقا و دوستان!

همراه با سپاسی فراوان از حمایتی که تاکنون از ادامه کار ما کردتاید، از شما تقاضا

داریم پویش را بیش از پیش از کمکهای مالی و معنوی خود بهره مند سازید.

برای پویش مقاله بنویسید، ما را از اخبار محل زندگی خود با خبر سازید، در ترجمه
مطالبی که در رشد سیاسی و اجتماعی پناهندگان موثرند ما را یاری کنید، با قطعه های ادبی
خوبش نشریه را بارورتر کنید، ضعفها و کمبودهای کار ما را با انتقادات و پیشنهادات سازنده
و صریح خود گوشزد نمائید، پویش را برای دوستان و آشنایانتان مشترک شوید و ما را در —
جریان برخوردهای مختلف خوانندگان نسبت به مطالب پویش قرار دهید.

اعتصاب پیروزمند هزاران کارگر پالایشگاه های ایران

شود،

۲- افزایش وام بدون بهره مسکن از ۴۰۰ هزار تومان به ۷۵۰ هزار تومان ،

۳- تحویل ۲۰۰ تا ۳۵۰ متر مربع زمین به هر نفر، جنب پالایشگاه نفت و جنت آباد. قرار است ماهانه به ۵۰۰ تن زمین داده شود،

۴- دو برابر شدن رتبه سالیانه،

۵- عرضه خدمات درمانی شرکت نفت،

۶- پرداخت دو ماه حقوق به عنوان عیدی و پاداش (توضیح اینکه قبلاً برای کسانی که کمتر از ۸۰۰۰ تومان حقوق دریافت می‌کردند، بر حسب نسبت معینی پاداش و عیدی تعلق می‌گرفت).

رژیم تأمین جیره خواربار را نپذیرفت و به بهانه ناتوانی در این امر، از آن شانه خالی کرد.

بدین سان کارگران پالایشگاهها با اقدام متهورانه و هماهنگ خود پیروزی بزرگی در برابر رژیم جمهوری اسلامی دست یافتند.

اعتصاب همزمان کارگران شرکت نفت در سراسر کشور، نشانه وجود درجهای از تشکل و سازماندهی در میان کارگران نفت است.

این اعتصاب نشان میدهد کارگران صنعت نفت که در جریان انقلاب ۵۷ بخش پیشرو و مبارز طبقه کارگر را تشکیل میدادند-رفته رفته خود را در کنار هم می‌یابند و برای دور جدیدی از مبارزه آماده می‌شوند.

به امید روزی که شعار "کارگر نفت ما - رهبر سر سخت ما" دوباره - و این بار با قدرتی صد چندان- در میان تودههای کارگر و تهدیدات ایران طنین انداز شود.

باندداشت :

۱- در اطلاعیه مورخ ۲۶ بهمن ۶۹ "اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه -

کارگر)" خواستههای زیر نیز قید شده است :

- افزایش رتبه سالیانه.

- قرار گرفتن به زیر پوشش خدمات درمانی شرکت نفت.

- پرداخت حداقل دوماه حقوق به همه کارگران و کارکنان.

□

پالایشگاههای سراسر ایران در روزهای هشتم تا بیست و سوم دیماه سال جاری شاهد اعتراضات و اعتصابات هماهنگ هزاران کارگر بودند. در نتیجه این مبارزات، کارگران پالایشگاهها موفق شدند دولت را به عقب نشینی واداشته و بخش اعظم خواستههایشان دست یابند.

بنا به گزارش " حزب کمونیست ایران"، حرکت اعتراضی کارگران ابتدا با اعتصاب غذای کارگران پالایشگاههای اصفهان و آبادان در هشتم دیماه آغاز شد و روز بعد به پالایشگاه تهران و سایر پالایشگاهها سرایت کرد. کارگران پس از چهار روز اعتصاب غذا و مشاهده بی‌اعتنایی مقامات، کار را نیز متوقف ساختند.

طبق گزارش مذکور، خواستههای کارگران در این اعتصاب عبارت بوده است از : افزایش دستمزد متناسب با تورم، تعیین موقعیت استخدامی بخشی از کارگرانی که مشمول قانون کار نیستند، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، تهیه مسکن و افزایش حق مسکن، دادن بنهای عقب افتاده کارگران، دادن جیره خواربار مطابق قرار داد دسته جمعی سال ۵۷ - (هر ماه ۲۰ کیلو برنج، ۵۰ کیلو روغن، ۳ کیلو حبوبات) به جای ۹۰۰ تومان^{هفت} خواربار که اکنون پرداخت میشود. (۱)

رژیم ابتدا کوشید اعتصاب کارگران را فرو نشاند و به دستگیری تعدادی از اعتصابیون پرداخت، اما هنگامی که با مقاومت و همستگی کارگران مواجه شد، ناگزیر به عقب نشینی گردید.

بنا به گزارش "اتحادکارگران انقلابی ایران (راه کارگر)" رفسنجانی جنایتکار خطاب به کارگران گفت: کارگران شرکت نفت نورچشم ما هستید و هیچ مشکلی در رابطه با آنها نداریم. رفسنجانی همچنین متعهد گردید همه کسانی که در جریان اعتصاب دستگیر شده بودند، آزاد شوند. دو روز پس از نطق رفسنجانی تمامی دستگیرشدگان، آزاد گردیدند.

همین گزارش حاکیست، دولت سرانجام موارد زیر از خواستههای اعتصابیون را پذیرفت:

۱- از بهمن ماه به همه آنها ماهانه ۲۰۰۰ تومان اضافه حقوق پرداخت

اخبار اعتصابات و تظاهرات کارگری و توده ای در ایران را به اطلاع جهانیان برسانیم!

آفریقای جنوبی: رفرم در سیاست آپارتاید همچنان سروری سفیدان را تضمین می کند.

شدیدا" به الغای قوانین فوق اعترافی کرد و نمایندگان این حزب در حین سخنرانی دکلرک مجلس را ترک کردند، محرومان سیاهپوست آفریقای جنوبی با تظاهرات گسترده در تمامی شهرها این اقدامات را ناکافی دانستند.

تظاهرکنندگان خواستار انتخابات آزاد برای تشکیل مجلسی شدند که وظیفه تدوین یک قانون اساسی دموکراتیک برای آفریقای جنوبی را بعهده بگیرد.

کنگره ملی آفریقا نیز با انتقاد به "تصمیمات ناکافی دولت"، خواستار تشکیل مجلسی منکور و روی کار آمدن دولت موقت شده که هر دو خواسته از طرف دکلرک رد شده است.

بنا به گفته رهبر کنگره ملی آفریقا الغای قوانین فوق به تنهایی کافی نیست بلکه علاوه بر آن باید برای رفع کلیه تضییقات و خساراتی که توسط قوانین آپارتاید به سیاهپوستان تحمیل شده است، اقدامات اساسی و جدی صورت گیرد.

وی در قبال سؤال گزارشگر روزنامه تاتس مینی بر اینکه برای انحلال واقعی آپارتاید چه کاری بایستی صورت بگیرد، گفت: " ما به برنامه‌هایی احتیاج داریم که موقعیت اجتماعی سیاهپوستان را بهتر کند، چرا که از قبل سیاستهای مالی آپارتاید، به میلیونها انسان خسارت وارد آمده که الغای آن هیچگونه تغییری در موقعیت سیاهان بوجود نمی‌آورد. به عنوان مثال کمبود مسکن را در نظر بگیریم.

پرتوریا بجای اجرای اقدامات جدی در این زمینه، مسئله را تبدیل به امر شخصی افراد می‌کند." وقتی تو به یک خانه احتیاج داری، رژیم می‌گوید خانه را بخر! " و یا معضلات دیگری از قبیل سیستم کار مهاجری، حق انتخاب محل سکونت، وضع بهداشت و رسیدگی به سالمندان و یا وضع تعلیم و تربیت که در حال حاضر دچار یک بحران حاد گشته است.

برای حل کلیه این معضلات، ما به یک برنامه همه جانبه و ضروری احتیاج داریم تا بتوانیم بر اساس آن مناسبات اجتماعی کنونی در آفریقای جنوبی را واقعا" دگرگون سازیم.

بنا به گزارش روزنامه دی تاگس-سایتونگ مورخه ۲ فوریه ۹۱، دکلرک رئیس جمهور آفریقای جنوبی اعلام کرد که دو قانون از مهمترین قوانین آپارتاید لغو خواهد شد. این قوانین یکی مربوط به تفکیک مناطق مسکونی سیاهپوستان و سفیدپوستان و دیگری ممنوعیت مالکیت زمین برای سیاهپوستان میباشد. در این حال قانونی که به موجب آن نوزادان پس از تولد بر حسب نژاد تقسیم‌بندی می‌شدند نیز الغا خواهد گردید.

پوتا (وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی) در یک کنفرانس مطبوعاتی بیان داشت که الغای قوانین فوق همه پیش شرطهایی را بر آورده می‌کند که از طرف آمریکا و بازار مشترک برای لغو تحریم اقتصادی آفریقای جنوبی، مطرح شده‌اند.

با این همه حتی به اعتراف خود مقامات دولتی آفریقای جنوبی، لغو این قوانین به معنای از بین رفتن کامل آپارتاید نمی‌باشد، چرا که اولاً، "علیرغم لغو قانون تفکیک محلهای مسکونی سفیدها و سیاهان، این تصمیم که آیا سفیدها و سیاهان در یک محله با هم زندگی کنند به تصمیم مردم سفیدپوست آن منطقه بستگی خواهد داشت و چنانچه سفیدپوستان در یک محله، مدرسه و ... مخالف

اقت سیاهان در آنجا باشند خواست سفیدپوستان مورد حمایت دولت قرار گرفته و سیاهان حق سکونت در آن منطقه را بدست نخواهند آورده. ثانیاً" به لحاظ شرایط مالی و اقتصادی سیاهپوستان در موقعیتی نیستند که توانایی خرید اراضی و زمین را دارا باشند. ثالثاً" لغو تقسیم بندی نژادی تنها شامل حال نوزادانی خواهد شد که بعد از تصویب این قانون متولد خواهند شد و شامل حال

جمعیت سیاهپوست تاکنونی آفریقای جنوبی نخواهد بود. رابعاً" ، از همه مهمتر، هنوز سیاهان حق انتخابات و داشتن نمایندگی سیاسی در پارلمان را بدست نیابورند و با این ترتیب تسلط سیاسی سفیدها همچنان برقرار خواهد ماند.

سخنان دکلرک با واکنشهای متفاوتی در کشور روبرو شد. در حالی که حزب بغایت راست و محافظه کار (CP) که خواستار حفظ بی‌چون و چرای آپارتاید میباشد،

نیابورند و با این ترتیب تسلط سیاسی سفیدها همچنان برقرار خواهد ماند. سخنان دکلرک با واکنشهای متفاوتی در کشور روبرو شد. در حالی که حزب بغایت راست و محافظه کار (CP) که خواستار حفظ بی‌چون و چرای آپارتاید میباشد،

نامه مشترک در اعتراض به دستگیری پناهندگان ایرانی در ترکیه

ریاست محترم UNHCR - ترکیه - آنکارا

طبق اخبار رسیده مطلع شده‌ایم که ۹ نفر از پناهندگان ایرانی - در ترکیه بوسیله پلیس آن کشور دستگیر شده‌اند - بر حسب شواهد موجود این خطر وجود دارد که آنان بوسیله مقامات ایرانی تسلیم گردند از این رو ما مراتب نگرانی شدید خود را نسبت به حال این پناهندگان اعلام می‌داریم و از شما خواستاریم به وضعیت این افراد رسیدگی کنید و تمام سعی امکانات خود را برای آزادی ایشان بکار بگیرید.

شورای پناهندگان استان نیدرزاکسن (Fluchtlingrat) کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران (هانوفر)

رونوشت:

دفتر UN در آلمان،

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو.

معاویه با گونتر گراس پیرامون

جنگ خلیج

تاتس: رانندگان تاکسی در هندوستان می‌گویند که این جنگ بین مسیحیان و - سلمانان می‌باشد. آیا پایان این جنگ به یک جنگ نواز مدت فخر خواهند شد؟

گراس: جنگ مدتها قبل از شعله ور شدن آن آغاز شده بود. و قبل از آنکه ما شروع به قضاوت در مورد رفتار سایر کشورها مانند آمریکا، اسرائیل و یا ترکیب نائیم، باید به آن جنایتی که برای من بسیار دردناک است بپردازیم، کس یکار دیگر از طرف آلمان نشأت گرفته است، از اینجا اسلحه‌هایی صادر شده است که فاصله زیادی نسبت به سیستم‌های "متداول" و غیر اتمی دارد که طراز کشورهای دیگر صادر شده است. این امکان عراق، که بتواند اسرائیل را با سلاح‌های سمی و بیولوژیک مورد تهدید قرار دهد، بدون صادرات آلمان قابل تصور نمی‌باشد. این امر از مدتها قبل آشکار شده است و بسیاری از نمایندگان مجلس مانند نوربرت گنزل و نیز بسیاری از گروه‌ها بارها این مسئله را مطرح کرده‌اند. علاوه ایالات متحده آمریکا نیز توجه دولت آلمان را به این امر جلب نموده است. همه اینها از طرف افرادی مانند گشر (وزیر امور خارجه)، لامبز دورف (رئیس حزب لیبرال در ائتلاف کنونی حاکم بر آلمان) و آقای مولمن که حالا وزیر اقتصاد میباشد نادیده گرفته شده‌است. در این بین معلوم میشود که تنها شرکتهای منفرد مسئولیت این ارسال جنایتکارانه را بر عهده ندارند، بلکه دولت آلمان نیز کاملا" از جریان اطلاع داشته است. حکومت آلمان حتی بعضی از این معاملات را با اعتبارات هرزمز (Herms-Kredite) تأمین کرده‌است. این حکومت باید استعفا دهد. آقای "موله من"، که سالها این معاملات را به نام آزادی و اقتصاد بازار تشویق کرده است، به عنوان وزیر اقتصاد غیر قابل تحمل میباشد. می‌نمایم با کدام شجاعت احمقانه‌ای خانم زوس موت (رئیس پارلمان کشور آلمان از حزب دمکرات مسیحیها) به خود اجازه میدهد مسئله را به این شکل لوٹ کند و در اسرائیل چنین بگوید که همه شرکتهای آلمانی اینطور نیستند، طبیعتا" همه شرکتهای آلمانی اینطوری نیستند، اما این حکومت منجمله خانم زوس موت (از کم و کیف جریان) اطلاع داشتند، یا بایستی می‌دانستند چه چیزی در حال وقوع است.

تاتس: چه نتایجی علاوه بر تقاضای استعفا دولت می‌بایستی گرفته شود؟

گراس: بعضی وقتها بنظر میرسد که علیرغم همه موعظه‌ها، ما هنوز مثل سابق آتویس (یکی از اردوگاه‌هایی که آلمانیها در جنگ جهانی دوم ساخته بودند و در آن هزاران یهودی و کمونیست را با گاز به قتل رساندند. توضیح مترجم) را درک نکرده‌ایم. چرا که اگر ما این درک را داشتیم، این تجارت اسلحه ممکن نمیشد، از این معاملات مانع بعمل می‌آمد و نیز مستقل از وابستگی حزبی محافظه کار، سوسیال دمکراتیک و یا سبزها، یک مجوزی تدوین می‌شد که در آن مرزها را برای ما آلمانیها تعیین میکرد.

به همین خاطر من می‌ترسم که خیلی چیزهایی که درباره تقبیح جنایت، آلمانیها در گذشته گفته میشود فقط در حد حرف بوده است.

گونتر گراس یکی از نویسندگان و هنرمندان معروف آلمان میباشد. وی جزو آن دسته از هنرمندانی به شمار میرود که در عرصه های گوناگون در کنار جنبش صلح قرار گرفته است. در جریان جنگ خلیج فارس صف بندی شخصی در میان محافل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آلمان بوجود آمد و این در حالی بود که در تلاطم امواج گسترده تظاهرات تودم‌ای هر کس ناچار بود موضع خود را مشخص کند؛ طرفدار جنگ و یا بر علیه آن!

گونتر گراس آن گزاشی را در فرهنگ و ادبیات آلمان نمایندگی میکرد که در دفاع از جنبش صلح حرکت میکرد. ما برای آنکه خوانندگان گراسی در جریان نظرات این گزایش قرار بگیرند، اقدام به ترجمه بخشهایی از مصاحبه روزنامه "دی تاکسی ساتونیک" با گونتر گراس (تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۹۱) در مورد جنگ خلیج کردیم. علاوه بر این ما فکر میکنیم که انتشار این مصاحبه از این زاویه نیز مهم میباشد که بسیاری از چهره‌های ادبی آلمان که در دهه های گذشته طراز پیشقراولان جنبش صلح به شمار می‌رفتند، در این بین به طرفداری از جنگ خلیج و مخالفت با جنبش صلح پرداختند.

این نکته لازم به تذکر است که هدف ما صرفا" شناساندن این گزایش مشخص در میان نویسندگان آلمان به خوانندگان پیش بوده و انتشار این مصاحبه به معنی تأیید نقطه نظرات سیاسی گونتر گراس نمی‌باشد.

قبل از پرداختن به اصل موضوع اشاراتی مختصر به شرح حال این نویسنده می‌کنیم.

گونتر گراس در ۱۶ اکتبر ۱۹۲۲ در دانینگ متولد شد. بعد از جنگ مجبور شد برای تأمین معاش خود ۲ سال (۱۹۴۸-۱۹۴۶) بعنوان کارگر در معدن کار کند. خود وی این دو سال را نقطه عطفی در اندیشه و زندگی خود خوانده است. بعد از اتمام تحصیل، دانشگاهی در رشته گرافیک و طراحی (۱۹۵۲-۱۹۴۸) به ادبیات روی آورد. فعالیت وی در عرصه ادبیات با نوشتن قطعات کوتاه، نمایشنامه، داستان و سرودن شعر آغاز گشت.

اولین اثر وی که برای او معروفیت فراوانی به همراه آورد رمان "طبل حلبی" "Blechtrommel" (۱۹۵۹) میباشد. از آن زمان تاکنون او به فعالیت ادبی و هنری خود در عرصه‌های مختلف ادامه داده است. از آثار معروف او - میتوان از "گره و موش" (داستان کوتاه)، "سالهای سگی" (رمان)، "بی‌حسی موضعی" (رمان)، "از دفتر خاطرات یک حلزون" (رمان) نام برد.

در آثار او بخصوص تا قبل از سالهای ۷۰، مسئله گذشته آلمان، فاشیسم، تعقیب یهودیان، جنگ جهانی دوم و عواقب آن بر روحیات و جامعه آلمان، درسهایی که باید از گذشته گرفت و ۰۰۰۰ نقش اصلی را ایفا میکنند. از سالهای ۷۰ به بعد آثار او دیگر نه به تحلیل گذشته بلکه بیشتر به امر آینده، مسئله دموکراسی و جوانب مختلف آن می‌پردازند. گونتر گراس در سال ۱۹۸۳ به حزب "سوسیال دمکراتیک آلمان" پیوسته است.

مصاحبه با گونتر گراس پیرامون جنگ خلیج



تاس: به شروع گفتگو بر گردیم. به راننده‌های تاکسی هندی که جنگ خلیج راه عنوان جنگ بین مسلمانان و مسیحیان می‌بینند.
گراس:

آدم بسختی می‌تواند چنین نتیجه گیری ساده شعاعی را وارد بماند. بعد از اشغال خاک کویت توسط عراق، بدستی قطعنامه سازمان ملل خواست تخلیه کویت را مطرح کرد. این قطعنامه با نظرخواهی از کشورهای جهان سوم شکل گرفت اما آنچه که در حال حاضر در این جنگ رخ میدهد، تنها رابطهای حاشیه-ای با این قطعنامه دارد. من گمان می‌کنم که آمریکا پا را کاملاً از اختیاراتی که از طرف سازمان ملل به او واکنار شده، فراتر گذاشته است.

بهبان شهرها مغایر با قطعنامه سازمان ملل میباشد و کوانسیون ژنو را نقی میکند و به جایی میرسد که شاید مورد نظر این راننده‌های تاکسی باشد. من اعتقاد ندارم که این یک جنگ مذهبی است. اما این اولین جنگ کشورهای صنعتی علیه حکومت‌های جهان سوم میباشد. شعار "هیچ خونی برای نفت نباید ریخته شود"، که بخاطر ساده کردن غیر مجاز مورد انتقاد قرار گرفته است، بحق میباشد!

مسئله شدیداً بر سر پیشبرد آشکار منافع است و حوزه‌های نفتی نیز علاوه بر مشخص کشورهای صنعتی را تشکیل میدهند.

تاس: خلیجیا کفرانها و بایکوت کردن را برای توقف صدام ناکافی میدانند.

گراس: من عقیده دارم که بعنوان مثال بایکوت اقتصادی که حتی بطور نیمه کاره هم در مورد آفریقای جنوبی اعمال شد موفقیت‌هایی در برداشته است. من فکر نمی‌کنم که حکومت جنوبی بدون بایکوت اقتصادی به نظرات امروزی میرسد. محاصره اقتصادی در مقابل عراق به مدت کافی به مرحله اجرا در نیامد. امکانات سیاسی (برای حل این مشکل) خیلی سریع به کنار گذاشته شد و ابزار جنگ مورد استفاده قرار گرفت.

این جنگ هیچ چیز حتی کوچکترین مسئله‌ها را حل نخواهد کرد. در مقابل به اختلافات و مشکلات موجود دامن خواهد زد و نتایجی در حوزه محیط زیست خواهد داشت که غیر قابل ترمیم میباشد. همه اینها قابل اجتناب بود، البته اگر تمام امکانات سیاسی مورد استفاده قرار می‌گرفتند از هیچ چیزی برای تأثیر بخشیدن محاصره اقتصادی دریغ نمیشد. اینها به زمان احتیاج داشت همانطور که این امر در مورد آفریقای جنوبی صدق کرد. جنگ خود را به عنوان یک مدت کهنه شده برای حل چنین مسائلی نشان داده است. البته اگر اصولاً برای آن توانایی حل مشکلات را قائل باشیم که من این را بطور اساسی مورد تردید قرار میدهم.

اما با این سیستم تسلیحاتی امروز که ما داریم، در جائیکه ما همگی منجمت خود-من-قربانی و فور بی‌خبری می‌باشیم، علیرغم میل خود به سیستمهای تسلیحاتی جدید چشم می‌دوزیم و خودمان را به این عادت میدهم که ما تعداد قربانیان را نمی‌دانیم. اگر روزی این تعداد مشخص شود ما وحشتزده خواهیم شد. این سکوت تاکتیکی با تاریخ گذشته میباشد. ما تا امروز تعداد قربانیان در پاناما را نمی‌دانیم.

تاس: درباره "ولف بیرون" که به نفع این جنگ موعظه میکند و درباره مقایسه صدام حسین با هیتلر که از طرف "انسن برگر" ارائه شده است چه می‌گوئید؟

گراس: من در کار این بجهمایی هستم که به خیابانها ریخته‌اند و شاید در موقعیتی نیستند که بتوانند دلیل ضدیت خود را با جنگ دقیقاً تشریح نمایند. بر علیه این سربازهای قدیمی سالهای ۶۸ هستم که حالا معتقدند، در آن دوران استدلالات صحیحی داشتند و اکنون جای استدلال کردن را خالی می‌بینند و به بجههای معترض بدویبراه می‌گویند. عراق از لحاظ تسلیحاتی تقویت شد، برای اینکه در آن زمان مهم بود که او در مقابل ایران تقویت شود. آمریکا، همه غرب و آلمان سالها قبل حکومت شاه در ایران را با صدور اسلحه تأمین کرده هیچ کمکی به اپوزیسیون ننمودند. بعد همه از اینکه یک آیت الله بعد از سقوط شاه به قدرت رسید، متعجب شدند. بیکار دیگر سعی نمودند یک شیطان را با کمک شیطان دیگری از میدان بدر کنند و اینهم بدینوسیله که عراق را شدیداً تجهیز نمایند و حالا بجهها نباید به خیابان بروند (لا بد از دید آنها مترجم) این جنگ را بعنوان عادلانه مورد تأیید قرار دهند.

تاس: در ایران، عراق و نیز در جاهای دیگر بنیادگرایی در مقابل ما قرار گرفته است.

به عقیده "سولز نیتین" برای این نگرش ارزشهای غربی روشنفکری، به عنوان مخرب، فاسد کننده و ویرانگر فرهنگ فهمیده میشوند. صرفنظر از مصالح اقتصادی که طبیعتاً به نفت مربوط میشود یک عرصه دیگری نیز وجود دارد که از طرف روشنفکران که از دید شما قابل سرزنش هستند، مطرح میشود و آنهم پافشاری بر روی عمومیت ارزشهای تمدن میباشد.

گراس: بنیاد گرایی تنها در عراق وجود ندارد. در روند این جنگ و حتی در طی بحران، کلمه "خدا" آنقدر مورد سو استفاده قرار گرفته که تاکنون سابقه نداشته است. کفرانس مطبوعاتی از جرح بوش وجود ندارد که ما او را در پشت کلیسا نبینیم.



کیهان هوانی شماره ۹۱۷

مهاجرت ۵ هزار پرنده از سیبری به چهارمحال و بختیاری

شهر گرد - ایرنا - ۸ بهمن - ۲۸ ژانویه - بیش از ۵ هزار پرنده مهاجر از سیبری شوروی به استان چهارمحال و بختیاری مهاجرت کردند. مدیرکل حفاظت از محیط زیست استان چهارمحال و بختیاری اعلام کرد به علت سرمای شدید، بیش از ۵ هزار پرنده که از زیباترین پرندگان جهانند، از سیبری شوروی به استان چهارمحال و بختیاری مهاجرت کردند. این پرندگان توسط واحد شناسایی اداره کل حفاظت از محیط زیست شناسایی و تاکنون بیش از ۵ هزار قطعه شمارش شده‌اند.

بالاخره ۵ هزار پرنده زیبای سیبریایی هم از وعده وعیدهای پروستریکا و گلانسوست گورباچف در مورد بهبود اوضاع مایوس و سرخورده شده و برای بقا خویش (کمبود گوشت و عدم تأمین جانی و ۰۰۰) ناچار به جلای وطن گردیدند. اما چرا به ایران؟ کشوری که حتی کلاغ فرزندان را از نزدیدن صابون آخوندها بخاطر حفظ بقا نسل برحذر میدارد!

شاید هم تبلیغات اسلامی در مناطق مسلمان نشین شوروی بی‌تأثیر نبوده. ولی از قرار معلوم پرندهای زیبا هنگام ورود هیچ علامت و نشانه اسلامی نظیر قرآن و غیره به‌مراه نداشته و در آسمان نماز جمعه تهران هم ظاهر نشده و یگراست در استان چهارمحال و بختیاری فرود آمده و تقاضای پناهندگی می‌کردند. شاید هم برای پریدن به کشورهای دیگر دنبال پاس جعلی و قاچاقچی در ایران و احتمالاً "بعدا" در ترکیه می‌گردند...

اگر چه بعد از مدتی تحت مقررات شدید وزارت ارشاد و اداره منکسرات (چون زیبا هستند)، سازمان گوشت ایران (آنهم دم عیدی و کوبنه‌های مخصوص!) و مزاحمت خود روحانیت مبارز و پاسداران شکارچی انواع

بقیه از صفحه ۳

نگاهی به شرایط بین‌المللی و رابطه آن با بحران خلیج

مربوط میشود، جنگ خلیج برای دول ژاپن و جامعه اروپا يك عقبگرد و برای دولت آمریکا يك پیروزی محسوب میگردد.

همچنین دولت آمریکا موفق شد در کوتاه مدت بار دیگر به اتحاد و پیوستگی "بلوک غرب" موضوعیت بخشیده و این گروهبندی را اینبار بر علیه دشمن مشترک جدیدی متحد نماید. دشمنی که بزرگترین تهدید برای "دنیای متعادل" معرفی میشود.

بحران خلیج آزمونی بود که در آن وزن سیاسی- نظامی کشورهای متعلق به "بلوک غرب" و درجه توانایی هر يك از آنها در تأثیرگذاری برونراند

موجودات روی زمین، آلودگی هوای ایران و ۰۰۰ می‌فهمند که ایران جای پناهندگی نیست البته امیدوارم که همگی پرندگان بدون هیچ خطر جانی و اجتماعی و طبیعی و تشریفات قانونی از سوی مقامات سازمان مبارزه با محیط زیست ایران (۱)؟! تقاضای پناهندگی‌شان پذیرفته شده و در اسرع وقت بتوانند با دفترچه محل و کوبین ویژه در صفهای بسیی انتهای سرزمین اسلامی به پرواز بپیوندند بنیبال انلك قوت لایموت دام طیور بپردازند. البته بنده که چشم آب نمی‌خورد و اصلاً هم قصد ندارم ته دل پرندگان عزیز را خالی کنم و ناامیدشان کنم ولی در کشوری که کلاغ را به جای بلبل به مردم غالب می‌کنند و تازه در يك مصاحبه تلویزیونی اول از آن اعتراف می‌گیرند که نسل اندر نسل و جدوآبادا" بلبل بوده شما دیگر جای خود دارید.

بهرحال من چشم امیدم به مردم ایران و پرندگان عزیز ایرانی است که با پرندگان عزیز مهاجر برخورد خوب و میهمان نوازانطای که خامی ایرانیان است داشته باشند و رعایت احترام به پرندگان را به بجههای شیطان نموده و از بروز هر گونه احساسات ضد خارجی و ملی‌گرایانه بپرهیزند. تا پرندگان مهاجر احساس غربت و بیگانگی ننمایند چرا که شاعر می‌فرماید: تو نیکی می‌کن و در دجله انداز (شعر قبل از جنگ عراق و آمریکا سروده شده) که سوسیال آمت در اروپا میدهد باز.

البته شانس با پرندگان عزیز و مهاجر یار بوده که شاخ حزب توده شکسته و خودش را هم دیگر توی ده راه نمی‌دهند و گرنه با يك رهنمود حزبی به کلیه اعضا و هواداران حزب تحت عنوان: " مبارزه علیه پرندگان مائوئیست و ۰۰۰ يك وظیفه انقلابی است" و دخل همه پرندگان را با تفنگ بادی و سنگ و تبرکمان در می‌آورد.

جوزعلی در غربت مارس ۱۹۹۱

۱- اشتباه جایی نیست.

رویدادهای بین‌المللی-لااقل در کوتاه مدت-مشخص گردید، درجه استحکام و قابل اعتماد بودن روابط آمریکا و شوروی سنجیده شد و میزان نزدیکی و دوری مواضع کشورهای مختلف اروپای غربی و ژاپن با ایالات متحده محک خورد.

از سوی دیگر در ورای ظاهر فریبنده این جنگ، که گویا تمامی جهان يك دل و يك زبان، در مقابل تجاوز دولت عراق گرفته بودند، مسانقستای برای کسب نقش بیشتر در دخالتگری و تأثیرگذاری بر روند رویدادها در جریان بود. موضع گیریهای متفاوت فرانسه، آلمان، ژاپن، ایتالیا و شوروی نسبت به ایالات متحده و انگلیس درمقاطع مختلف رویداد خلیج، انعکاسی از این مسابقه و رقابت بین‌المللی بود.

نگاهی به شرایط بین‌المللی
و رابطه آن با بحران خلیج

این جنگ در عین حال افسانه فرا رسیدن دوره "صلح و صفا" — بر برانهای جنگ سرد را باطل ساخت و نشان داد که "نظم نوین" آینده با توسل به قتل عام انسانهای بی‌دفاع، آوارگی توده‌های میلیونی، نابودی روبرانی مناطق مسکونی، بیمارستانها و مدارس شکل می‌گیرد. تاریخ "نظم نوین" مطلوب سرمایه‌داری جهانی نیز همچون نظمهای گذشته آن با مرگ و نیستی، فقر و فلاکت، استثمار و رنج نگاشته میشود.

ناصر سعیدی

نویسنده ۱۹۹۱

World Media S.10-11, Uncle Sam: Greis mit -

Scharfen Zähnen, Reinhard Kaiser.

World Media S.14, Abschied Von der Supermacht,

William Pfaff .

- بسوی سوسیالیسم - بازاری سرمایه‌داری معاصر - جعفر رسا - صفحات

۱۱۴-۱۰۱

- راه کارگر تئوریکد - سرمایه‌داری جهانی در بحران - فراهانی

- اندیشه رهایی - سقوط بورس: حداقل پیامد: رکود در سال ۱۹۸۸ -

ارنست مندل .

۲- بودجه نظامی ژاپن سه برابر بودجه نظامی هند و کره جنوبی و تقریباً

۵ برابر بودجه نظامی چین است و در این زمینه ژاپن در حال حاضر

در آسیا مقام اول را دارد. در این رابطه رجوع شود به:

World Media S.18, Der Riese Japan Schläft -

noch, F.A. Mediansley.

World Media S.22, Wie Friedlich bleibt der-

Pazifik. Gerald Segal.

۴- انقلاب ایران که سرنگونی بزرگترین متحد ایالات متحده در منطقه

را بدنبال داشت، از یکسو منجر به انهدام پیمان سنتو و دگرگونی

نفوذی در منطقه گردید و از سوی دیگر به تار و مار شدن دکترین

نیکسون و کیسینجر مبنی بر ایجاد دولتهای دست نشانده و نیرومند به

عنوان "ژاندارم منطقه" انجامید. بدین ترتیب دولت آمریکا از انقباض

۵۷ به اینسو فاقد استراتژی تعریف شد پای در خاور میانه بوده و غالباً

به دنبال سیر حوادث و رویدادها افتاده است.

بحران خلیج و جنگ متعاقب آن فرصتی طلایی برای دولت آمریکا بود تا

ابتکار عمل سیاسی- نظامی را در منطقه بدست گیرد و استراتژی جدیدی

را-لااقل در کوتاه مدت-تعریف نماید. طرح بوش - بیکر که در سال

۱۹۹۰ اعلام شد، مبنی بر متشکل کردن نیروهای نظامی اروپای غربی،

شمال آفریقا و خاور میانه در یک ارتش چند ملیتی و به رهبری ایالات

متحده بود.

۵- جنگ خلیج فارس همچنین نشان داد که ایالات متحده مصمم است

روش تهاجمی و قلدر منبانه خود در دهه ۸۰ را همچنان در دهه ۹۰

نیز ادامه دهد. این روش تعرضی از یکسو برای ساختن نظم دلخواه

آمریکا و پشت سر گذاردن دهه پر تلاطم ۹۰ مورد نیاز است و از -

سوی دیگر آمریکا تنها از این طریق ممکن است بتواند ابتکار عمل سیاسی

خود در سطح جهان را در این دهه حفظ کند. سیاستهای تهاجمی

ریگان و بوش که همزمان با افول هژمونی اقتصادی و نفوذ سیاسی آمریکا

در میان متحدینش میباشد، نه امری تصادفی بلکه امری ضروری است .

□



یادداشتها:

۱- هانوفرشه آگمانیسم ۴ مارس ۱۹۹۱

۲- واقعیت از میان رفتن سیادت اقتصادی آمریکا بر غرب، پدیده نیرس

قابل انکاری است که می‌توان آنرا با قمار و ارقام ثابت کرد. این پدیده

موضوع مقالهها و تحلیلهای اقتصادی بیشماری بوده است، به عنوان مثال

رجوع شود به:

World Media S.8-9 Die Posthegemoniale Ära,

Immanuel Wallerstein.

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

اخیراً رفیق پویان-یکی از همکاران صمیمی پوشش-دست به ابتکار جالبی در جهت جمع آوری و تهیه خبر از شرایط ایران زده است. وی از طریق تماس و گفتگو با ایرانیانی که اخیراً از کشور خارج شده‌اند مجموعه‌ای از گزارشات و اخبار را تهیه نموده و برای ما ارسال داشته است .

ما ضمن قدردانی از این ابتکار رفیق پویان، منتخبی از گزارشات ارسالی را برای چاپ در پوشش تنظیم کردیم که در زیر از نظرتان میگذرد:

بحران خلیج فارس و افزایش قیمت کالاها در ایران

در عرض چند ماه گذشته و بدنبال بروز بحران خلیج فارس و سپس وقوع جنگ تمام عیار کنونی در منطقه، قیمت کالاها در ایران بشدت افزایش یافته است.

افزایش جهش وار چند قلم از کالاها را در زیر مشاهده می‌کنیم:

کره پالمر بسته ۲۵۰ گرمی از ۴۵ تومان به ۸۰ تومان .

لپه هر کیلو از ۸۵-۸۰ تومان به ۱۹۰-۱۵۰ تومان .

حلب پنج کیلویی روغن نباتی از ۸۰۰-۷۰۰ تومان به ۱۵۰۰-۱۲۰۰ تومان.

روغن مایع نوت (سه کیلویی) از ۳۵۰ تومان به ۸۰۰-۲۷۵۰ تومان .

لوبیا قرمز از ۱۱۰-۱۰۰ تومان به ۲۰۰-۱۸۰ تومان .

روغن نباتی چهار کیلویی Aceel (وارداتی از نوبی) از ۴۲۰-۴۰۰ -

تومان به ۸۰۰-۲۵۰ تومان . تلویزیون سیاه و سفید ۱۴ اینچ پارس

از ۲۶-۲۳ هزارتومان به ۴۵-۴۰ هزار تومان . قالی ماشینی درجه

یک از ۲۵ به ۵۰ هزار تومان .

هم اکنون قیمت برنج در بازار آزاد کیلویی ۲۰۰-۱۵۰ تومان و قیمت

پنیر ماشینی بیش از ۲۲۰ تومان به ازای هر کیلو میباشد .

در این آشفته بازار، جمهوری اسلامی نیز با افزایش قیمت دولتی کالاها

نقش مهمی در بالا رفتن قیمتها داشته است. در یکی دو ماه اخیر دولت

۵۰ درصد به قیمت دولتی روغن نباتی، ۱۰ درصد به قیمت دولتی قندومرغ

و ماهی افزوده است. قیمت نان نیز در کلیه شهرهای کشور دو برابر

شده است. همچنین نرخ تاکسی و اتوبوسهای داخل شهری رسماً به دو

برابر قیمت‌های قبلی صعود کرده است .

باندهای تجارت کلیه بچه‌ها را دزدیده و کلیشان را به سرقت می‌برند

به شرانه ۱۲ سال حکومت جمهوری اسلامی امروز فقر و فلاکت و

فساد اخلاقی چنان جامعه را در چنگال خویش می‌شارد که اعضای بدن

انسان نیز به معرض خرید و فروش گذاشته شده و به سرقت می‌روند .

هم اکنون در ایران یک کلیه انسان تا قیمت دو میلیون تومان خرید و فروش

میشود . در همین رابطه باندهای جنایتکار، به دزدی بچه‌ها اقدام نموده

و بعد از در آوردن کلیه آنها یا این کودکان بی‌گناه را سر به نیست

کرده و یا به حال خویش رها می‌نمایند .

در این زمینه به دو نمونه توجه کنید:

در اوایل مهرماه امسال در منطقه نظرآباد کرج، تعدادی از دانش‌آموزان

دبستان، هنگام صبح به انتظار مینی‌بوس (سرویس) مدرسه می‌ایستند .

مینی‌بوس نمی‌آید و اتوموبیل آریایی کنار بچه‌ها توقف کرده و راننده آن میگوید

به علت خرابی مینی‌بوس، وی بچه‌ها را به دبستان خواهد برد . وی بچه‌ها

را سوار اتوموبیل آریا کرده و براه می‌افتد .

بعد از ظهر آنروز، والدین بچه‌ها که از دیر کرد فرزندانشان نگران شده

بودند، به دبستان رفته و متوجه میشوند، در آنروز فرزندانشان در سر

کلاسها حاضر نشده‌اند . والدین ، نگران و پریشان مسئله را به کمیته و

کلانتری محل اطلاع میدهند .

پس از گذشت دو روز حوالی ساعت ۲/۵ بعد از نیمه شب اهالی محلی

که بچه‌ها سوار آریا شده بودند، با سروصدای سگها و ناله بچه‌ها بیدار

میشوند و بچه‌ها را در حالیکه رنگ و رویشان بریده بود و در جیبهایشان

۲۰۰-۱۰۰ هزار تومان پول داشتند، پیدا می‌کنند . بعداً معلوم میشود

که از بدن هر بچه یک کلیه را بیرون کشیده‌اند .

علیرغم شکایات مکرر والدین، کمیته و شهربانی محل تا زمان ارسال خبر

هیچ اقدامی در این زمینه انجام ندادند .

همچنین در اواسط مهرماه سال جاری دختر بچه ۹ سالگی در خیابان

بهن غربی پایین‌تر از میدان رسالت تهران مفقود میشود . پس از ۱۵ روز

دختر بچه را در حالی که دستبندهای طلا در دست داشت، پیدا میکنند .

مادرش به علت وجود جای بخیه در شکم کودک، وی را به بیمارستان

میبرد . پس از معاینه معلوم میشود که یکی از کلیه‌های دختر بچه به سه

سرقت رفته است .

اخادی از دانش آموزان همچنان ادامه دارد

به دنبال اخذ شهریه‌های کلان در آغاز سال تحصیلی، اینک

با فرا رسیدن فصل سرما، اولیاً دانش آموزان ناگزیر به پرداخت هزینه

سوخت مصرفی مدارس نیز شده‌اند .

در برخی مدارس تهران گاه تا ۳-۲ هزار تومان برای هر دانش آموز پول

سوخت اخذ شده و در برخی مدارس ابتدایی، قلکهای سفالی بزرگی بیس

دانش آموزان توزیع و از آنها خواسته شده که قلکها را پر کنند و به مدرسه

بیاورند تا بتوان سوخت مدرسه را خریداری کرد .

علت اجباری بودن پرداخت هزینه سوخت، عدم تأمین سوخت مدارس از -

جانب دولت و خرید اجباری آن از بازار آزاد عنوان میشود .

مورد دیگری از اخادی، به گارتهای تحصیلی و بیمه دانش آموزان مربوط

اخبار ايران ، پناهندگان و جهان

ميشود، مدارس تهران جهت صدور كارت تحصيلي ۵۰ تومان و براي صدور كارت بيمه ۲۰ تومان از محصلين طلب ميكنند. حال آنكه روي كارت بيمه دانش آموزي نوشته شده : قيمت ۵۰ ريال !

قيمت سرسام آور نفت در بازار آزاد

با فرا رسيدن فصل سرما و عدم توزيع به موقع نفت در مراکز پخش نفت كوپني، مردم ناگزير به خريد نفت از بازار آزاد هستند. در حال حاضر قيمت نفت در بازار آزاد ۱۵ برابر قيمت دولتي آن است. بدين ترتيب مردم ناچارند يك گالن ۲۰ ليتري نفت را به جاي ۸ تومان، به قيمت ۱۲۰ تومان و حتي بيشتر در بازار آزاد تهيه كنند.

افزايش قيمت و نامرغوبتر شدن نان

قيمت نان در تهران طی ماههای اخير افزايش يافته است. بطوري كه از اوایل ديمهه قيمت هر قرص نان لواش از يك به دو تومان و هر كيلو نان ماشيني از ۳ به ۶ تومان افزايش يافته است. قيمت هر قرص نان سنگك نيز در اواخر تابستان از ۳ به ۵ تومان افزايش يافت.

از سوي ديگر كيفيت نانها نيز بدتر شده است. از دلایل نامرغوبتر شدن نانها، كمياب و گران بودن جوش شيرين است. در حال حاضر جوش شيرين كه يكي از مواد اوليه تهيه خميره نان است، به قيمت دوازده الی پانزده هزار تومان به فروش ميرسد. از اينرو نانوايها براي تهيه خميرنان از نانهای فاسد و كپك زده استفاده ميكنند.

حتي برخي از افراد نانهای كپك زده را از ميان زبالهها جمع آوري كرده و به نانوايها مي فروشند. نانهای پخته شده با اين نوع خميره از نظر رنگ، بد و طعم نامطبوع است. شايع است كه علت گراني و كميايي جوش شيرين، استفاده از آن در صنايع شيميايي جهت توليد سلاحهای شيميايي ميشود.

اذيت و آزار قاچاقچيان غير خسودي

در يكي از مراکز باصطلاح مبارزه با مواد مخدر واقع در پل رومي تهران، قاچاقچيانی كه همدست رژيم نيستند، پس از دستگيري بشدت مورد آزار و اذيت قرار ميگيرند.

معروف است كه حتي در جلسات دادگاه نيز اين قبيل قاچاقچيان از كسك و تهديد عوامل رژيم مصون نيستند. در جلسات دادگاه كه به رياست فردی معروف به حاج آقا زرگر تشكيل ميشود، شخمي غول پيكر و متخمس

شكجه معروف به حاج محمود براي ارباب و "تنبیه" متهمان حاضر ميشود. پس از پايان محاکمه-بخصوص محاکمه قاچاقچيان ثروتمند- حاج زرگر از متهم سوال ميكند كه كت و شلوار را انتخاب ميكني يا طناب دار را؟ كت و شلوار را در گوشهای از اطاق قرار ميدهند و بسته به نوع جرم و توان مالي متهم براي كت و شلوار نرخی تعيين ميكنند كه گاه اين نرخ بالغ بر دهها ميليون تومان است. اگر متهم با " خريداري " كت و شلوار به قيمت تعيين شده موافقت نموده و بتواند ظرف ۴۸ ساعت مبلغ فوق را پرداخت كند آزاد و در غير اينصورت بدار آويخته ميشود.

دستگيري ۱۰ تن از پناهندگان ايراني در تركيه

صدای اسرائيل در برنامه روز ۹ مارس خود خبري از دستگيري ۱۰ تن از پناهندگان ايراني ساكن تركيه پخش كرد. بنا به اين خبر، روز دوشنبه ۳ مارس ۱۰ تن از پناهندگان سياسي ايراني توسط نيروهای امنيتي تركيه بازداشت شدند و بيم آن ميروند كه دولت تركيه آنان را به دولت ايران تحويل دهد.

راديو اسرائيل در ادامه اين خبر همچنين اعلام كرد كه " سازمان چريكهای فدائى خلق " با ارسال نامطای به مدير كل سازمان ملل ، خواستار حمايت اين سازمان از دستگيرشدگان و آزادي آنان شده است.

وضعيت دشوار تحصيل در دانشگاهها

كلاسهای آموزشی دانشگاهها، بعلت كمبود استاد، كمبود فضای آموزشی و كمبود امکانات تحصيلي بسيار شلوغ هستند. به عنوان مثال در رشتههای كامپيوتر، الكترونيك و مكانيك دانشگاه علم و صنعت تعداد دانش جويان هر كلاس بيش از ۱۵۰ و گاه تا ۲۰۰ نفر ميشود و بعلت كمبود استاد و امکانات آموزشی، برخي از درسها به صورت ويدئويي تدریس ميشود. از سوي ديگر هزينه تحصيل در دانشگاهها بسيار سنگين و از عهده فرزندان خانوادههای كارگران و تهيدستان خارج است .

در همين رابطه در روزنامه كيهان دولتي مورخ اول بهمن ۶۹ نامه يكي از خوانندگان چاپ شده است .

اين خواننده عنوان ميكد كه شهریه ثابت دانشگاهها براي نيم سال ۵۰۰۰ تومان و شهریه هر واحد ۱۰۰۰ تومان ميشود.

بدین ترتيب شهریه ثابت يکساله ده هزار تومان و شهریه ۳۰ واحد برای يکسال ۳۰ هزار تومان ميشود . به عبارت ديگر دانشجويي كه ميخواهد در يکسال ۳۰ واحد بگذراند، ميبايست چهل هزار تومان شهریه بپردازد!

اخبار ایران ، پناهندگان و جهان

کمبود داروها و وسایل ابتدایی بهداشتی در ایران

در حال حاضر سرنگ در ایران کمیاب میباشد و در بیمارستانها و داروخانه ها، آمپول را بدون سرنگ تحویل میدهند و مردم باید سرنگ را از بازار آزاد تهیه کنند. قیمت سرنگ در بازار آزاد بسته به نوع و اندازه آن بین ۲۰-۵۰ تومان است.

همچنین خرید آمپولهای B₁₂ و B کمپلکس به نرخ دولتی امر بسیار دشواری است. بطوری که این آمپولها را تنها با ارائه نسخه حلال احمر یا بنیاد شهید و پس از ساعتها انتظار در صف میتوان خریداری کرد. تازه به ازای ارائه هر نسخه فقط ۲ عدد آمپول تحویل داده میشود.

قیمت هر یک از این آمپولها در بازار آزاد حداقل ۶۰ تومان است.

قرص نیتروگلیسرین نیز که هنگام وقوع حمله قلبی مورد استفاده بیمار قرار میگیرد، بطور کلی در ایران نایاب میباشد. معضل دیگر بیماران قلبی، پرداخت هزینه سرسام آور بتری قلب است. ظرف سه سال گذشته قیمت این باتریها از ۶۵ هزار تومان به ۵۰۰ هزار تومان رسیده است و به علت اینکه طول عمر این گونه باتریها فقط یکسال میباشد، برخی بیماران قلبی نیازمند باتریهای فوق که توان مالی خرید این باتریها را نداشتهاند، فوت کردهاند.

لازم به ذکر است که تهیه باتری قلب به نرخ دولتی تقریباً غیر ممکن است.

ضرب و شتم پناهجویان در ایالات آلمان شرقی سابق

منبع خبر : روزنامه های تاتس ۶،۴ و ۸ مارس ۱۹۹۱

در نیمه شب ۲۷-۲۸ فوریه، هایم پناهندگی لایزینگ (Leisnig) در شهر Döbeln ایالت زاکسن واقع در آلمان شرقی سابق توسط یک گروه ۳۰ نفره مورد تهاجم قرار گرفت. این عده بوسیله میله های آهنی، چاق و سنگ، ساکین هایم را به شدت مضروب کردند. بخشی از پناهجویانی که توانستند از این حمله جان سالم بدر ببرند، با پول توی جیبی خود بلیط قطار تهیه کرده و عازم فرانکفورت - مایسن شدند و بخش دیگری به نزد آشنایان خود در شهرهای کاسل و نورنبرگ رفتند. بنا به اظهارات پناهجویان، آنها در این شب امکان تقاضای کمک از دیگران را نداشته اند چرا که هایم فوق فاقد تلفن میباشد. حتی جمعی کمکهای اولیه موجود در هایم نیز قفل بوده است و تنها دکتري هم که فردای آنروز به آنجا میروید از صدور گواهی پزشکی برای پناهجویان خودداری

کرده است.

از آنجا که هایم منکور در حمله اخیر غیرقابل سکونت گردیده، باقیمانده پناهجویان ساکن آنرا به هایم دیگری واقع در شهر Delitzsch انتقال دادند. در آنجا نیز پناهجویان پس از اطلاع یافتن از مرگ یک پناهجوی افغانی به دلیل عدم کفایت مراقبت پزشکی در این هایم، تصمیم به ترک ایالت فوق گرفته و عازم شهر Schwalbach در ایالت هسن شدند. وزیر امور اجتماعی ایالت هسن (از حزب دموکرات مسیحی) اعلام کرده که این پناهجویان باید تا آخر ماه مارس شهر Schwalbach را ترک و به ایالت زاکسن باز گردند. این در حالی است که فراکسیون حزب سبزها در مجلس هسن خواستار دادن اجازه اقامت به پناهجویان فوق در این استان میباشند. همچنین امنیستی و برخی از تشکلهای مدافع پناهندگان تلاش میکنند تا از فرستادن آنان به ایالت زاکسن ممانعت به عمل آورند.

شایان ذکر است که هم اکنون ۱۳۰۰ پناهجو در ایالت زاکسن بسر میبرند و انتظار میروید تعداد آنها در سال جاری به ۸ هزار نفر بالغ گردد.

باید اضافه کرد که گزارشات متعدد دیگری نیز دال بر ضرب و شتم پناهجویان در ایالات شرقی آلمان میباشد. از جمله حمله به هایم پناهجویان در شهر Klötze ایالت Sachsen - Anhalt، شهر Thüringer Katzhütte، Rhönstädtchen Geisa و Eisenhüttenstedt.

اخراج دسته جمعی کارگران در ترکیه

بنا به خبر نشریه مجادله ترکیه - مورخه ۱۵ فوریه ۹۱ - پس از اعلام ممنوعیت اعتصاب از طرف دولت ترکیه، بیش از یکصد هزار کارگر اخراج شدند. در میان کارگران اخراجی ۳۰ هزار کارگر صنایع بافندگی و ۱۱ هزار کارگر بخش توربسم وجود دارند. به محض پایان اعتصاب کارگران پروفیل استانبول، ۵۰۰ کارگر این بخش نیز اخراج شدند. در کارخانه اتوموبیل سازی "Oyak - Renault"، ۵۸۰، در کارخانجات رنو "Bursa"، ۹۰۰ و در رنو "Adapazari"، ۴۰۰ کارگر اخراج شدند. پس از اخراج کارگران رنو "Bursa"، سایر کارگران این کارخانجات در اعتراضی به اخراج همکارانشان، کارخانه را در روز ۵ فوریه ۹۱ به تصرف خود در می آورند، بر اثر این اقدام کارگران کارفرمایان قول مذاکره و بازگشت بکار کارگران اخراجی را به کارگران دادند. اخراج کارگران در "ازمیت" بشکلی وسیع در جریان است و تعداد کارگران اخراجی در این شهر از مرز ۲۰۰۰ نفر گذشته

برای احقاق حقوق پناهندگان و مهاجرین متشکلاً مبارزه کنیم!

اخبار ایران، پناهندگان و جهان

"عبدالمیر الابنادی" سفیر عراق در سازمان ملل در جلسه محرمانه شورای امنیت که در اواسط فوریه (اواخر بهمن ماه) تشکیل شده بود، ضمن اعلام مطلب بالا افزود: "پخش مواد رادیواکتیو و گازهای مهلك در هواتاكون منجر به كشمشدين انسانهای بیگناه زیادی در منطقه شده است."

دولت پاکستان ۵۶ تبعه ایرانی را اخراج کرد

بنا به گزارش روزنامه کیهان (دولتی) مورخه ۳۰ بهمن ۶۹، دولت پاکستان ۵۶ تبعه ایران را که به صورت غیر قانونی در سالهای اخیر به آن کشور رفته بودند، اخراج کرد و به ایران بازگرداند. روزنامه "جنگ" در مورد مدت اقامت این عده در پاکستان توضیحی نداد و فقط اشاره کرد که آنان پس از "پیروزی انقلاب اسلامی" به پاکستان آمده بودند و از مرز دالبندان در ایالت بلوچستان به ایران بازگردانده شدند. بیم این می‌رود که این ۵۶ نفر از پناهندگان ایرانی در پاکستان باشند که دولت پاکستان به اتهام غیر مجاز از مرز آنها را به دولت ایران پس داده است.

تفاهم دول ایران و ترکیه علیه کردها

سفیر جمهوری اسلامی در ترکیه (محمدرضا باقری) در يك كنفراانس مطبوعاتی که بمناسب سالگرد به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی در ترکیسه برگزار شده بود، گفت: دول ایران و ترکیه توافق کرده‌اند که اجازه تأسیس يك دولت مستقل کرد در عراق را ندهند. وی اضافه کرد که تشکیل يك دولت مستقل کرد در عراق مخالف منافع دول ترکیه و ایران است و به این سبب تفاهم لازم بین دو دولت جهت ممانعت از تشکیل دولت کردستان عراق وجود دارد. روزنامه ترك زبان حریت مورخه ۹۱/۲/۵ به چاپ رسیده است.

نامه‌ای برای شما ارسال شده است. موفق باشید.

❖ رفقا و دوستان متشکل در شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی - پاکستان، نامه شما به همراه پیام شورا شماره ۴۲ به دستمان رسید. جدیت، پشتکار و فعالیتهای شما مایه دلگرمی و نشاط ماست. امیدواریم که همچنان رابططممان از عمق بیشتری برخوردار گردید.

❖ رفقای دست اندرکار تهیه نشریه "Arbeiter Kurier" پيك کارگری شماره ۵ را دریافت داشتیم. ضمن تشکر از شما برای ایتان آرزوی موفقیت داریم.

است. همچنین بنا به گزارش نشریه Yil ۱۰۰ (صدا) ترکیه، سخنگوی كنفراسیون Turk - is تعداد کارگران اخراجی ظرف يك ماهه اول پس از آغاز جنگ خلیج را بیش از يكصد هزار نفر اعلام کرد. وی - ضمن اعلام این خبر گفت، با اضافه نمودن کارگران غیر رسمی (بی‌مضده) به این تعداد، آمار کارگران اخراجی در طی این مدت به ۱۵۰ هزار نفر می‌رسد. وی بیشترین تعداد اخراجیها را از دو بخش بافندگی بسا ۴۰ هزار کارگر اخراجی و بخش صنایع فلزی با ۱۵ هزار کارگر اخراجی خواند.

تعمید حالت فوق العاده در ۱۰ استان ترکیه

شورای امنیت ملی ترکیه در اجلاس ۴ اسفند ماه خود، اجبرای حالت فوق العاده در ده استان واقع در شرق و جنوب شرقی این کشور را به مدت ۴ ماه دیگر تمدید کرد. شورای امنیت ملی ترکیه آبانماه گذشته تعمد اجرای حالت فوق‌العاده در استانهای فوق را تا ۲۸ اسفند ماه جاری به تصویب رسانده بود که با تصمیم اخیر این حالت فوق العاده تا ۲۸ تیرماه ادامه می‌یابد. این خبر در کیهان دولتی ۵ اسفند ۶۹ درج شده است. شایان ذکر است که اکثریت ساکنان استانهای تحت حالت فوق العاده را کردها تشکیل می‌دهند.

پخش مواد رادیواکتیو بر اثر انهدام راکتور اتمی عراق

حمله هوایی نیروهای غربی به رهبری آمریکا به مرکز تحقیقات هستای عراق که در حومه بغداد واقع شده، در دو روز اول جنگ منجر به شکسته شدن راکتور اتمی و انتشار مواد رادیواکتیو در هوا شده است. این خبر در کیهان دولتی ۲ اسفند ۶۹ به چاپ رسیده است.

نامه های رسیده

❖ رفیق عزیز پویان، ضمن سپاس فراوان از همکاریها و کمکهای بی دریغتان، چه در جهت ارسال مقالات، اخبار و ترجمه مطالب و چه در توزیع نشریه پویان، امیدواریم پروسه رابططممان همچنان از استحکام و پویایی بیشتری برخوردار گشته و شوکفتر گردد.

❖ "خواننده پویان" از شهر لی که بلژیک، نامه شما را دریافت کردیم، ضمن تشکر از توجه شما خاطر نشان می‌کنیم که در جواب نامهتان،

نامه های رسیده



❖ رفیق عزیز محمد (زیباروز)، نامه شما به همراه مقاله ارسال شده و همچنین مبلغ ۱۵ مارک بابت هزینه اشتراك ششماهه پویش بدستمان رسید، ضمن سپاسگزاری و قدردانی از شما، برایتان آرزوی موفقیت داریم.

❖ دوست عزیز فریدون نامتتان بدستمان رسید، خیلی خوشحالییم که درصدد ادامه مکاتبه با ما هستید. همانگونه که خواسته بودید منشور و اسانامه کمیته همبستگی... را در اسرع وقت و نشریه پویش را به صورت مرتب برایتان ارسال خواهیم کرد، گامیاب باشید!

❖ دوستان متشکل در شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی-ترکیه (آنکارا)، بالاخره بعد از مدتها تاخیر، از شما نامهای بدستمان رسید و از این بابت خرسند شدیم. لازم به ذکر است که تاکنون کمیته همبستگی... برایتان چند نامه فرستاده ولی هیچگونه پاسخی دریافت نکرده است، این علاوه بر ارسال منظم نشریه پویش به آدرس سابقتان میباشد. با امید به اینکه من بعد رابطه‌مان روند منظمی را طی کند، برایتان آرزوی موفقیت در پیشبرد خواسته‌های پناهندگان را داریم.

❖ یکی از خوانندگان پویش، نامهای برای ما فرستاده و در آن نسبت به یکی از خبرهای مندرج در پویش شماره ۱۴ تذکراتی داده‌اند. ما برای اطلاع خوانندگان گرامی از نظرات ایشان، متن نامه را عیناً درج میکنیم.

رفقای هیئت تحریریه، با سلام و درود.

من خواننده نشریه و شای دست اندرکار نشریه، باید در ارتباطی تنگتنگ قرار بگیریم در بده بستانی دینامیک و پویا. تا در تلاوم و استعرا این ارتباط، کالایی تولید شود پربار و خلاق برای تأثیر گذاری و تأثیر پذیری دو سویه و ابزاری شود در جهت و راستای مبارزات مردم ایران، که با نشر هدفمند این نشریه، مدعی همسوئی با آن هستیم.

در این بده بستان متقابل، شما چیزی بمن مخاطب عرضه میکنید برای اعتلای اندیشم و همسویی با آرمان مقدس شما. و من خواننده باید با شما و در کنار شما با چشم و گوش باز، نقاد لغزشها و کسج اندیشه‌های سهوا" ناخواسته باشم، برای هشدار بموقع تا به یاری هم راه را به بیراهه نرویم.

يك نوع تفکر و نگرش از دیدگاهی غیر علمی، تا زمانی که در حیطاندیشه و جهان بینی يك شخص مشخصاً "بعنوان دیدگاهی فردی موجودیت دارد، نه میتواند سازنده باشد نه مخرب.

وقتی که این تفکر و شیوه نگرش به پدیده‌های اجتماعی در حوزه مناسبات اجتماعی بعنوان يك طرز تلقی مشخص و تفکری جمعی در هیئت کالایی فرهنگی انبوه مخاطبانی را، پیام رسانی میکند، میتواند یکی از دو شیئ بالا را رها و پیام خود داشته باشد و به یقین شق دوم خواهد بود که ناقص هدف ماست.

❖ رفیق عزیز ر. همبستگی، کارت پستی شما بدستمان رسید. برایتان آرزوی سلامتی داریم و منتظر دریافت نامه‌های بعدیتان هستیم.

❖ فدراسیون سراسری شورا‌های پناهندگان ایرانی، همبستگی شماره ۱۶ بدستمان رسید، بسیار متشکریم.

❖ دست اندرکاران تهیه دفترهای کارگری - سوسیالیستی جزوه "جنگ خلیج" شما را دریافت کردیم، بسیار متشکریم.

❖ سازمان ایرانیان دمکرات در خارج کشور، نامه، نشریات و جزوه اطلاعاتی تان درباره پناهندگان ترکیه (به زبان آلمانی) را دریافت کردیم، از لطف شما متشکریم. در ضمن پاسخ نامه شما به همراه نشریه پویش شماره ۱۵ را به طور جداگانه برایتان ارسال کردیم.

❖ کانون دمکراتیک پناهندگان و آوارگان ایرانی-ترکیه، شماره‌های ۲۵ و ۲۶ نشریه پناهنده را دریافت کردیم، متشکریم.

❖ دوست گرامی بادانگیز، یادداشت شما به همراه مبلغ ۲۸/۸۰ مارک بابت هزینه اشتراك یکساله پویش را دریافت کردیم، متشکریم. همانگونه که خواسته بودید از شماره ۱۵ مرتباً "نشریه پویش" را به آدرس موردنظر تان پست خواهیم کرد.

❖ دوست گرامی صادقی، یادداشت شما به همراه مبلغ ۲۸/۸۰ مارک بابت هزینه اشتراك یکساله پویش بدستمان رسید. همانگونه که نکر نموده بودید از شماره ۱۵ مرتباً "نشریه پویش" را به آدرس شما ارسال خواهیم کرد.

❖ دوست عزیز حجت نامتتان را دریافت کردیم، از شما متشکریم. به درخواست تان نشریه پویش را از شماره ۱۶ به آدرس جدیدتان ارسال خواهیم نمود. لازم به ذکر است که تا پویش شماره ۱۵ به آدرس سابقه تان پست شده است.

❖ "جمعی از پناهندگان ترکیه"، نامتتان را دریافت داشتیم. همانگونه که خواسته بودید از این به بعد نشریه پویش را مرتباً "به آدرس شما" پست خواهیم کرد. لطفاً از دریافت نامه و نشریات کمیته همبستگی... ما را مطلع نموده و مجدداً آدرس خود را خوانا و واضح برایمان بفرستید.

نامه های رسیده

با این مقدمه به اصل مطلب می‌پردازیم:

در (پویش) شماره ۱۴ صفحه ۱۸ بخش خبرها، مرگ يك دختر بچه دانش آموز در اثر ضربات معلم، خبر مذکور در دو سطر آمده بود. و بقیه مطلب تفسیری بر این رخ داد اسفبار قرون وسطائی بدین مضمون که: ((خشونت و تنبیه بدنی، حتی بخاطر يك سخن دانش آموز که به مذاق معلم خوش نیاید، همیشه چه در زمان رژیم شاه و چه رژیم جمهوری اسلامی یکی از ابزارها و شکردهای معلمین ایران برای در انقیاد در آوردن دانش آموزان بوده است...))

فاعل فعل بودن معلمین در ایران آنهم با این حکم عام و کلی، خشونت و تنبیه بدنی بعنوان ابزار و شکردهای معلمین ایران برای انقیاد و تسلیم نمودن بدون چون چرای دانش آموزان در دو رژیم سرمایه‌داری گذشته و حال، تداعی شکنجگران ساواک و دژخیان جمهوری، برای به انقیاد در آوردن مبارزان انقلابی خواهد بود.

در طیف گسترده معلمین ایران، بودند مزدورانی که ساواکی، بودند و هستند معلمینی که تنبیه بدنی میکردند و با الغای تعلیم و تربیت و آموزش هدفمند بیگانه بودند و گاه "کارگزار رژیم بوده و هستند برای تحمیل فرهنگی توده دانش آموزان و ... آیا غیر واقع بینانه نخواهد بود که این حکم کلی را صادر کنیم با این عنوان که همه معلمین ایران همیشه در دو رژیم چنین بوده و چنین گردانند!

با صدور این حکم معلمین ایران بدون استثناً در صف ضد انقلاب قرار گرفته و عملکرد آموزشی آنها همسو و در جهت تثبیت دو رژیم سرمایه‌داری بوده است! معلمین ایران از میان افشار میانی و فقیر خرده بورژوازی برخاسته و اکثراً "فرزند زحمتکشان ایران بودند و بسیاری آگاهانه این شغل را برگزیدند تا مروجان فرهنگ انقلابی بوده و افشاکر طبقات استثمارگر حاکم، بودند و هستند معلمانی که از حداقل آگاهی سیاسی برخوردار نبوده و نیستند صرفاً "در عین محرومیت از حقوق اجتماعی و اقتصادی، برای دریافت حقوق ناچیز معلمی از سر ناچساری این شغل را پذیرفتند تا امرار معاش کنند و خود از محرومین جامعه طبقاتی محسوب می‌گردند، نمی‌توانند آگاهانه ابزار سرکوب و در خدمت منافع ارتجاع و سرمایه‌داری حاکم در ایران باشند.

نقش معلمین آگاه ایران در جریان قیام مردم ایران انکار ناپذیر است. ناشکیب کانون فرهنگیان در سراسر ایران و سازمان دادن تودمهای میلیونی دانش آموزان در تظاهرات خیابانی عملاً "در کنار مردم و زحمتکشان ایران مبارزه کردند.

معلمانی که با حداقل حقوق در محرومترین نقاط ایران در روستاها و شهرها از معرشان را عاشقانه و هدفمند به شاگردانشان درس مبارزه آموختند و از پشت همان میز و نیمکت‌های چوبی مدارس مبارزان انقلابی آموزشهای اولیه را از معلمین آگاه و انقلابی فرا گرفتند. کم نبودند: بهرنگی‌ها، بهروز دهقانیا، مرضیه احمدی اسکویییا و کرجی بیانییا و هزاران معلم گمنام انقلابی دیگر که سیاه چالهای دو-رژیم را بر کرده و در برابر جوخه انعام وفادار به زحمتکشان، ایستادند.

هزاران معلم اخراج شدند و صدها تن تیرباران. سلا" شما به نکات مطرح شده بخوبی واقفید و این تحلیل نمی‌تواند دیدگاه هئیت تحریریه باشد و تصور بر این است این حکم کلی يك اشتباه نوشتاری باشد غیر عمد. که احتمالاً "تغیر از این نمی‌تواند باشد. بر این اعتقادیم که دوستان ما در بازبینی برای نشر سهل انگاری نموده و بسادگی از کنار این مطلب گذشتند. ما براساس اعتقاد اتمان موظفیم در ارتباط با اشاعه و تبلیغ جهان بینی و تفکراتمان از هیچ چیز جزئی بسادگی نگذریم. بقول یکی از بنیان گذاران فلسفه علمایی: (از خرد است که کلان بر می‌خیزد.) کم توجهی در موارد جزئی می‌تواند سر منشأ کج اندیشیهای گسترده‌تر شود. که ناخواسته اهدافمان را خدشه دار خواهد نمود که چنین ساد. به امید پربارتر شدن نشریه. پیروز باشید.

محمد نجار ۱۹۹۱/۱/۲۰

رفیق عزیز محمد نجار، آنچه که در خیر مندرج در پویش شماره ۱۴ تحت عنوان "مرگ يك دختر بچه دانش آموز در اثر ضربات معلم" مورد نظر بوده، در وهله اول ناهنجاریهایی است که در سیستم آموزشی ایران-چه در زمان شاه و چه در جمهوری اسلامی-وجود نداشته و ندارد.

چنانچه در همان خبر، به آشفتگی وضع آموزشی و پرورش، شلوغ بودن کلاسهای درس، فشارهای مالی و سایر تضعیقات اجتماعایی، اقتصادی به معلمین و عدم آشنایی آموزگاران به مبانی پیشرفته آموزش و پرورش اشاره شده و در پایان خبر نیز مجدداً "تاکید گردیده که "قتل این کودک تنها یکی از نمونه‌های این ناهنجاریهاست که مسئولیت مستقیم آنها متوجه دولت جمهوری اسلامی است."

بنابراین از نظر ما مسبب اصلی این گونه رویدادهای دردآور، سیستم عقب مانده و ناهنجاری است که دولتهای ایران منافع خود را در استمرار آن دانسته و در حفظ و صیانت از آن عمل کرده‌اند، اعمال غلط و خطای های بسیاری از معلمین معلول و خود نتیجه چنین سیستمی هستند. از سوی دیگر، به اعتقاد ما از محتوای خبر فوق چنین مستفاد نمیشود که "معلمین ایران بدون استثناً در صف ضد انقلاب" قرار دارند.

در خبر موضوعی که مورد ملاحظه قرار گرفته مشخص است. سیستم آموزشی ایران عقب مانده است، این سیستم عقب مانده جای خود را در ذهن و روان معلمین باز کرده است، آنها از ابزارهای ناسالمی که این سیستم بدست آنها داده استفاده می‌کنند و عوارض منفی آن بویژه نامنگیر کودکان و نوجوانان ایران میشود. اما همه اینها حکایت از جایگاه معلمین "در صف انقلاب و یا ضد انقلاب" نمی‌کنند.

اما این تذکر شمارا بسیار اصولی و به جا می‌دانیم که همه معلمین ایرانی در حیطة تنگ و چارچوب عقب مانده سیستم آموزشی ایران عمل نمی‌کنند و هستند معلمانی که علیرغم عدم وجود حداقل امکانات آموزشی، صادقانه در جهت تربیت صحیح کودکان و نوجوانان تلاش می‌نمایند.

اطلاعاتی در باره وضعیت پناهندگان ایرانی در ترکیه (قسمت اول)

۱۵۰ دلار هزینه در بردارد. ورود و خروج از طریق توره‌های مسافرتی، بعثت اینکه هزینه زیادی در بردارد، تعداد پناهندگانی که از این طریق مشکل (چکیش - گریش) خود را حل می‌کنند بسیار پائین است. ۰ طریق دیگر برای ورود و خرج به بلغارستان، استفاده از ویزای یکطرفه (رفت) ترانزیت یا دوبله ترانزیت (رفت و برگشت) میباشد که با احتساب هزینه‌های حمل و نقل و خرج ویزا و ۰۰۰ حداقل برای هر شخص هزینه‌های معادل ۷۰ دلار در بردارد. از ۴ ماه پیش دولت بلغارستان اجازه ورود و خرج از طریق ویزای ترانزیت را به پناهندگان ایرانی نمی‌دهد. طبقه سوم جهت ورود و خروج به بلغارستان، استفاده از ویزای باصطلاح (فرمالیتسه) است.

کسانیکه از این ویزا استفاده می‌کنند، حق مسافرت و اقامت در داخل خاک بلغارستان را ندارند. پناهنده پس از ورود به خاک بلغارستان، پاسپورتش توسط پلیس بلغار مهر ورود و خروج می‌خورد و بلافاصله مجبور به مراجعت به خاک ترکیه میشود در این رابطه پلیس ترکیه برای اخاذی از پناهندگان از زدن مهر خودداری میکند و حتی در بعضی موارد از فحاشی و هتک حرمت ابائی ندارد. تا چندی پیش، پناهندگان ایرانی با یکی دو ساعت صرف وقت، می‌توانستند خروج از مرز ترکیه و ورود مجدد به این کشور را علی‌نماینند. حدوداً از ۶ ماه پیش پلیس مرزی ترکیه، اعلام نموده است که فاصله زمانی خروج و ورود به ترکیه، حداقل باید یک روز باشد. بعنوان مثال: اگر پناهنده‌ای در اولین روز ماه از ترکیه خارج شود، زمانی می‌تواند وارد خاک ترکیه گردد که ساعت از ۲۴ نیمه شب گذشته و روز دوم ماه آغاز شده باشد.

با توجه به مشکلات حمل و نقل در ساعات روز، پناهندگان باید حوالی عصر در مرز حاضر باشند و پس از خروج از ترکیه و مهمور نشدن پاسپورت، هایشان به مهرهای ورود و خروج بلغارستان، مجبورند در محوطه کوچکی حد فاصل باجه‌های پلیس مرزی بلغارستان و ترکیه برای رسیدن زمان مقرر پس از نیمه شب، به انتظار گذشت زمان بنشینند، در شرایطی که باید ساعتها وقت خود را در هوای سرد زمستان بدون کمترین امکانی بگذرانند. این طریق "چکیش - گریش" حداقل هزینه آن معادل ۷۰ - ۶۰ دلار میباشد، بعثت اینکه کم خرجترین نوع (چکیش - گریش) میباشد، اکثریت پناهندگان از این طریق مشکل اقامت ۳ ماهه خود را حل می‌کنند.

پس از وقوع جنگ در منطقه خلیج، عملاً "گریش - چکیش" پناهندگان صورت نمی‌گیرد، چونکه پلیس مرزی بلغارستان از پذیرش ایرانیان به خالص

یکی از وظایفی که پویش در مقابل خود قرار داده، انعکاس وضعیت مشتتبار پناهندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه و همچنین دفاع از خواسته‌های آنان است.

در پویش شماره ۱۳، گزارشی درباره شرایط پناهندگان در ترکیه به چاپ رساندیم و در این شماره نیز به منظور اینکه تعداد باز هم بیشتری از ایرانیان با شرایط عمومی و بی حقوقی‌های پناهندگان ترکیه آشنا شوند، گزارشی در این باره خواهیم داشت.

این گزارش به همت دو تن از همکاران نشریه پویش تهیه شده است و از آنجایی که این رفقا خود از فعالین و مدافعین حقوق پناهندگان بوده و به صورت مستقیم با فشارها، زندگی ناامن، معضلات و دشواری‌های آنان درگیرند، گزارش فوق به شکل مستند و زندگای به رشته تحریر در آمده است.

لازم به توضیح است که به سبب طولانی بودن گزارش فوق، آنرا برای چندشماره نشریه پویش تنظیم کرده‌ایم که قسمت اول آن را در این شموله و قسمت دوم را در شماره آینده به چاپ خواهیم رساند.

ورود پناهندگان به ترکیه از ۲ طریق صورت می‌گیرد.

۱- ورود قانونی

۲- ورود غیر قانونی

کسانیکه دارای پاسپورت بوده و بطور قانونی وارد خاک ترکیه شده‌اند، پس از ورود به ترکیه و معرفی خود به UNHCR آنکارا، می‌توانند در هر شهری در ترکیه اقامت کنند، معمولاً برای در ارتباط بودن با UN، در آنکارا اقامت می‌کنند. طبق مقررات ترکیه مجبورند هر سه ماه یکبار از ترکیه خارج شده و مجدداً مراجعت نمایند. این ورود و خروج اجباری در زبان ترکی (چکیش - گریش) نامیده میشود و از طریق مرز ترکیه-بلغارستان و یا از طریق ترکیه قبرس صورت می‌گیرد. ورود و خروج به قبرس شمالی، از طریق راه آبی و هوایی امکان پذیر است، ورود و خروج به بلغارستان از طرق مختلف صورت می‌پذیرد. پناهندگان می‌توانند از طریق توره‌های مسافرتی ۳ روزه به بلغارستان مسافرت و پس از پایان مدت تور، به ترکیه مراجعت نمایند. این ورود و خروج، با توجه به اینکه هزینه تور به بلغارستان تا اواخر سال ۹۰ میلادی، تقریباً معادل ۱۱۵ دلار به اضافه حداقل ۲۵ دلار مخارج ضروری جنسی آن، برای هر نفر حداقل

تأخیر صورت می‌گیرد. بطوریکه برخی از پناهندگان پس از گذشت بیش از ۲ ماه از قبولی خود توانستند معرفی نامه مجدد برای پلیس دریافت کنند. از طرف دیگر UN به پناهندگان اعلام می‌کند که تا قبل از حل مسائل پلیسی خود و اخذ کیلیک از پلیس، آنها را به هیئت‌های پناهنده پذیرش معرفی نخواهد کرد. و از این رو چنین پناهندگانی بدلیل تأخیر در معرفی و انتظار ۲ ماهه جهت دریافت کیلیک ۶ - ۳ ماه دیرتر از سایر پناهندگان دارای پاسپورت از طرف UN به هیئت‌های پذیرش معرفی میشوند. پناهندگان پس از معرفی خود به پلیس، مورد بازجویی‌های مکرر قرار گرفته، در برخی موارد مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. پناهنده پس از معرفی خود به پلیس، هفتای یکبار می‌بایست در روزهای پنجشنبه خود را به بخش خارجیان اداره شهرداری آنکارا معرفی نموده و حضور خود را با امضا در دفتری مخصوص ثبت نماید.

سابقاً پس از ۸-۹ هفته و فعلاً پس از ۶-۷ هفته توسط پلیس تقسیم و برای اقامت به شهرهای دیگر ترکیه اعزام میشوند که در آن شهرها نیز مجبورند هفتای یکبار و در برخی موارد هر روز یکبار خود را به پلیس آن شهر معرفی نمایند. این گروه از پناهندگان پس از انتقال به محل اقامت باید دفترچه اقامت دریافت دارند، پلیس در مقابل دریافت ۸۰/۰۰۰ لیر از پناهنده برای او دفترچه اقامت صادر می‌کند.

این دفترچه اقامت در حکم کارت شناسایی بوده و کیلیک نامیده میشود. دفترچه‌ها هر سه ماه یکبار تمدید و پس از یکسال تمویض میشوند. پناهندگان در این شهرها تحت نظر پلیس قرار داشته و بدون اجازه پلیس حق خروج از شهر را ندارند. اخذ اجازه از پلیس جهت خروج از شهر بسیار مشکل میباشد و در مواردی مانند صاحبه با UN یا هیئت‌های پناهنده پذیر و برای معالجه بیماری، اجازه خروج به پناهنده داده میشود. پناهنده در صورت نیاز به صاحبه مجدد (صاحبه تکمیلی یا صاحب‌موم) بایستی منتظر ورود هیئت اعزامی از طرف UN جهت صاحبه در شهرستان بماند که این هیئت طبق مقررات UN می‌بایستی هر سه ماه یکبار، به شهرها مراجعه کنند. معمولاً لغزام هیئت UN به شهرستانها با تأخیر صورت می‌گیرد. اخیراً پناهندگان ساکن در شهرستان، جهت صاحبه یا تکمیل فرمها و غیره ۰۰۰ از طریق تلکسی، که از طرف UN به پلیس شهرستان ارسال میشود به UN آنکارا احضار میشوند. در صورت اخذ قبولی از UN و پذیرفته شدن از سوی هیئت‌های پناهنده پذیر، این پناهندگان در موعد خروج از ترکیه و انتقال به کشور پناهنده پذیر، پس از دریافت اجازه خروج به همراه و تحت نظر یک مأمور پلیس به فرودگاه آنکارا منتقل می‌گردند تا از کشور خارج شوند.

بلغار خودداری می‌کند. و پلیس مرزی ترکیه نیز به ایرانیان اعلام نموده که در صورت مهمور نشدن پاسپورتشان به مهر خروج از ترکیه، اجازه ورود - مجدد آنها به خاک ترکیه را نخواهد داد. UNHCR آنکارا قول داده که مشکل (چکیش - گیریش) پناهندگان را رفع کند، با این حال تا تاریخ ۹۰/۲/۱۰ عملاً اقدام مثبتی که منجر به حل این معضل پناهندگان شود، انجام نداده است. (چکیش - گیریش) به قبرس شمالی بعلاست مشکلات حمل و نقل و صرف مدت زمان بیشتری نسبت به بلغار، تعداد کمتری از این طریق اقدام می‌کنند. این ورود و خروج از ۲ طریق ممکن است ۰ ۱- دریائی ۲- هوایی.

برای استفاده از طریق دریائی، بایستی به شهر (MERSIN) واقع در جنوب ترکیه، رفته و پس از اخذ ویزا باید منتظر ورود کشتی‌های که در سیر بندر مرسین به قبرس شمالی در رفت و آمد میباشند، بمانند. این انتظار ۷-۸ ساعت بطول می‌انجامد و فاقد هر گونه امکانات بهداشتی و رفاهی میباشند، بخاطر ارزان بودن بلیط این کشتیها نسبت به کشتیهای اکسپرس که بسیار مجهز بوده و سریع حرکت می‌کند، پناهندگان عموماً از این کشتیهای ارزان برای رفتن به قبرس شمالی استفاده می‌کنند. چون هزینه اقامت در قبرس شمالی حتی برای چند روز از توان مالی پناهندگان خارج است. بناچار بیشتر از چند ساعت در قبرس نمانند و دوباره مراجعت می‌کنند، حداقل هزینه رفت و برگشت برای هر پناهنده تقریباً ۱۰۰ دلار میباشد.

تعداد زیادی از پناهندگان بعلاست نداشتن امکانات مالی، قادر به انجام دادن خروج و ورود خود نمی‌باشند. در سال ۹۰ میلادی جریمه یک بار عدم (گیریش - چکیش) معادل ۳۵۰ هزار لیر ترک بود. در صورت تکرار، مقدار جریمه بطور تصاعدی افزایش می‌یابد.

پناهندگانی که فاقد پاسپورت بوده و از طریق غیر قانونی به ترکیه وارد میشوند (به این پناهندگان اصطلاحاً "کوهی گفته میشود) اگر تا قبل از معرفی خود به UN توسط پلیس دستگیر شوند، احتمال دیپورت آنها به ایران بسیار زیاد است. این گروه پناهندگان پس از مراجعه به UN فرم مخصوصی را تکمیل نموده و با دریافت معرفی نامه‌ای از UN، خود را به پلیس معرفی می‌نمایند. پس از معرفی در برخی موارد، پلیس از قبول پناهندگان خودداری می‌کند و این گروه از پناهندگان بالاجبار علی‌رغم خطرهای موجود، می‌بایستی منتظر اعلام جواب صاحبه خود توسط UN باشند، تا در صورت قبولی، با معرفی نامه مجددی بار دیگر به پلیس عودت داده شوند.

در صورت رد شدن در صاحبه با UN و عدم پذیرش تقاضای پناهنگی، نمیتوانند مسائل امنیتی - پلیسی خود را حل نمایند. در بسیاری موارد، حتی پس از قبولی پناهنده، معرفی مجدد وی به پلیس از طرف UN با

منتشر شد :

فروری بر جنبش ضد جنگ

در آلمان

تعداد صفحات: ۸۱
بها ۲ مارك

معرفی کتاب " فروری بر جنبش ضد جنگ در آلمان "

نویسنده در این کتاب با اشاره به اخبار جنبش ضد جنگ در آلمان میگوید تصویری کلی از این جنبش ارائه دهد. آنگاه ضمن تاکید بر روی - حضور فعال دانش آموزان و سایر اقشار جوانان در این جنبش، به معرفی مهمترین جریانها شرکت کننده در آن از قبیل " گروههای صلح - " " اتحادیه کارگری سراسری آلمان "، " گرایشهای رادیکال و چپ جنبش، " حزب سبزها "، " حزب سوسیال دمکرات " و ... و همچنین - انعکاس خواستهها و مطالبات و نقطه نظرات آنان میپردازد.

در قسمت بعد که در واقع بیشترین بخش کتاب را به خود اختصاص داده است، نویسنده تاریخچه جنبش صلح آلمان را در دهههای پنجاه، شصت و هفتاد و هشتاد بطور جداگانه مورد بررسی قرار داده، علائم مشخصه و نقاط عطف آنها را بیان میدارد تا در پرتوی آن خواننده درک روشنتری نسبت به چگونگی این جنبش در طول چهار دهه بدست آورد.

در انتها ضمن مکتی بر نقاط ضعف و قوت جنبش ضد جنگ اخیر، وضعیت عمومی جنبش صلح آلمان به طور کلی و همچنین چشم انداز جنبش ضد جنگ اخیر مورد ملاحظه قرار میگیرند.

از انتشارات کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران

تصحیح و پویش

بهای این کتاب ۲ مارك میباشد ولی این مبلغ بر اثر اشتباه محاسبه در پویش شماره ۱۵، يك مارك اعلام شده بود. که به اینوسیله تعدیل میگردد.

گرامی باد ۸ مارس
روز جهانی زن !

با پویش
همکاری کنید

Solidaritätsverein mit
iran ischen Voelkern
Postfach 5311
3000 Hannover 1
Germany

شماره حساب بانکی
Solidaritätsverein
mit iranischen Voelkern
Stadtparkasse Hannover
KTO : 501336
BLZ : 25050180
W - G ermany

زنلانی سیاسی آزاد باید گردد